

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

### درباره یورش سرکوبگرانه رژیم ولایت فقیه به کارگران و فعالان سندیکای شرکت واحد

گرمگان رژیم از شب قبل به منازل فعالان کارگری یورش برده و حتی فرزندان خردسال آنان را هم به زندان بردند. اعلامیه می‌افزاید: «تعداد زیادی که هنوز آمار دقیق آنرا نداریم ولی قطعاً بالغ بر صدها نفر آلوده را دستگیر کردند، تعدادی از همکاران ما را به زور کتک و تهدید مجبور به راندن اتوبوس‌ها کردند، تعدادی از رانندگان ارگانه‌های نظامی را به خدمت گرفتند و هزاران

هم میهنان گرامی! مزدوران امنیتی رژیم ولایت فقیه با یورش خشن به کارگران شرکت واحد صدها کارگر مبارز و خانواده هایشان را دستگیر و روانه شکنجه‌گاه‌ها کردند. بر اساس اطلاعیه «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» امروز شنبه هشتم بهمن ماه اعتصاب گسترده کارگران «با هجوم بی سابقه ماموران جمهوری اسلامی روبرو شد». بر اساس همین اعلامیه

ادامه در صفحه ۶

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران: به مناسبت شصتمین سالگرد تشکیل جمهوری

خودمختار کردستان ایران در صفحه ۶



شماره ۷۳۱، دوره هشتم  
سال بیستم، ۱۳ بهمن ماه ۱۳۸۴

## دهقانان در اسارت واسطه‌ها و دلالتان

واردات بی رویه و سیل بنیان کن کالاهای خارجی به ویژه محصولات کشاورزی و غذایی توسط تجار عمده، سبب اضمحلال بخش کشاورزی کشور و گسترش دردناک فقر و تیره روزی روستاییان گردیده است.

برخی مطبوعات و خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی در اواسط دی ماه سال جاری اخبار مربوط به کاهش تولید پنبه ایران را منتشر ساختند. پنبه یکی از محصولات استراتژیک محسوب می‌شود و در صنایع مختلف از جمله نساجی کاربردهای وسیع دارد. کاهش سطح کشت پنبه و بی توجهی به کشاورزان تولید کننده این محصول بسیار پر اهمیت گویای وضعیت حاکم بر اقتصاد میهن ماست که با روی کار آمدن دولت جدید، این وضعیت به سرعت وخیم تر می‌شود و کشور بیش از پیش به واردات کالاهای خارجی وابسته می‌گردد. در این زمینه به گزارش خبرگزاری مهر به تاریخ ۲۳ دی ماه امسال، دبیر انجمن صنفی پنبه پاکتی اعلام داشت: «مطابق آمار وزارت جهاد کشاورزی از ابتدای سال جاری بیش از ۱۱ هزار تن پنبه وارد کشور

ادامه در صفحه ۲

## بازی خطرناک ارتجاع با منافع ملی ایران

«ارجاع» این پرونده نیست و توضیح داده که ارجاع پرونده به معنی آن است که موضوع دیگر در آژانس بین المللی انرژی اتمی بررسی نمی‌شود و شورای امنیت رأساً درباره نحوه برخورد با ایران تصمیم خواهد گرفت اما گزارش به شورای امنیت به این معنی است که پرونده ایران برای تصمیم‌گیری مجدداً به آژانس بازگردانده می‌شود.

در پی اعلام این خبر سران ارتجاع بلافاصله با موضع‌گیری‌های تحریک‌کننده بی‌کشورهای اروپایی و آمریکا را به خارج شدن ایران از توافق‌های گذشته تهدید کردند. بر اساس گزارش پایگاه خبری «امروز» در پایان جلسه علنی روز چهارشنبه مجلس بیانیه ۲۱۲ تن از اعضای مجلس در مورد تحولات اخیر پرونده هسته‌ای ایران، قرائت شد. در این بیانیه آمده است که «حقوق ملت‌ها بر اساس موازین بین‌المللی در همه زمینه‌ها یکی از مهم‌ترین هنجارهای جامعه امروز جهانی است که به دور از تهدیدات و فشارهای قدرتهای بزرگ باید مورد احترام و اقدام قرار گیرد. فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای در چارچوب ماده ۴ عهدنامه «ان. پی. تی» و ماده ۳ اساسنامه آژانس حق مسلم همه کشورهای عضو این دو مجموعه شناخته شده و مهم بین‌المللی است.» بیانیه می‌افزاید: «ما نمایندگان ملت بزرگ ایران به دولت هشدار می‌دهیم که حق ندارد درباره حقوق مسلم ملت ایران با هیچ قدرتی معامله کند و این حق را فدای زورگویی نماید و در صورت چنین

بلاخره پس از هفته‌های تنش در عرصه بین‌المللی، با تهدیدهای زورگویانه امپریالیستی از سوی و سیاست بازی‌های نابخردانه سران ارتجاع از سوی دیگر مسأله گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد از تصویب نمایندگان شورای کشورهای اروپایی گذشت. بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها در پی نشست پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت در لندن، سه دولت اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان، به نمایندگی از اتحادیه اروپا، از رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواسته‌اند در مورد آن بخش از فعالیت اتمی ایران که ممکن است جنبه تسلیحاتی داشته باشد گزارشی به شورای امنیت سازمان ملل متحد عرضه کنند. بر اساس همین گزارش‌ها دولت روسیه و چین نیز در این زمینه با سه کشور فوق به توافق‌های ضمنی رسیدند. به موجب گزارش روزنامه انگلیسی زبان گاردین شرط توافق دولت روسیه با این خواست اولاً تعیین یک فرجه یک ماهه برای دولت روسیه و چین جهت مذاکره با دولت ایران بوده است، و ثانیاً اینکه به جای ارجاع رسمی پرونده ایران تنها گزارشی از سوی آژانس بین‌المللی به شورای امنیت تسلیم شود. در پی اعلام این خبر همچنین گزارش شد که هیأت‌های نمایندگی دولت روسیه و چین به تهران سفر کردند. منوچهر متکی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز خاطر نشان کرد که «گزارش» پرونده هسته‌ای کشورش به شورای امنیت به معنای

ادامه در صفحه ۱۰

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه دهقانان در اسارت ...

مهر در تاریخ اول بهمن ماه در ارتباط با بازار مرکبات نوشت: «پایین بودن قیمت مرکبات به دلیل واردات این محصول موجب رکود بازار شده است.»

به گفته رییس اداره جهاد کشاورزی شهرستان تنکابن اکنون قیمت پرتقال تامپسون در بازار حداقل کیلویی ۳۵۰ تومان است، اما واسطه‌ها و سلف‌خرها این محصول را از کشاورزان در حدود ۷۰ تا ۹۰ تومان خریداری می‌کنند و تا به حال به اعتراض کشاورزان هیچ مرجعی رسیدگی نکرده است. علاوه بر این ایسنا در تاریخ ۲ بهمن ماه گزارش داد، صدها کشاورز استان فارس، به ویژه در مناطق داراب و جهرم بر اثر سرما زدگی محصولات باغ‌ها، با وضعیت دشوار معیشتی روبرو شده‌اند. طبق آمار جهاد کشاورزی شهرستان داراب میزان خسارت وارده به مرکبات داراب در مجموع ۱۱ میلیارد تومان است. یکی از کشاورزان در این خصوص به خبرنگاران خاطر نشان ساخت: «خسارات فقط به محصولات وارد نیامده، بلکه زندگی ما از هم پاشیده است. تاکنون هیچ تضمینی در ارتباط با این دهقانان و تامین حداقل مایحتاج آنها اتخاذ نشده است.» در گزارش دیگری ایسنا، وضعیت تولید پیاز در کشور و قیمت آن را منتشر ساخت، مطابق این گزارش، واسطه‌ها و دلالان پیاز را از دهقانان استان‌های آذربایجان شرقی، زنجان، اصفهان، خوزستان و سیستان و بلوچستان به قیمت کیلویی ۵۰ تومان خریداری کرده و سپس با احتکار و کمبود آن به صورت مصنوعی در بازار، پیاز را به قیمت ۷۰۰ تومان بفروش می‌رسانند. وزارت بازرگانی دولت احمدی نژاد سیاست مشخصی را در زمینه محصول پیاز اتخاذ کرده است. به گزارش ایسنا به تاریخ ۲ بهمن ماه روابط عمومی وزارت بازرگانی اعلام داشت: «پیاز دارای مشکلاتی است و ما تلاش می‌کنیم قیمت پایین بیاید، در غیر این صورت اگر قیمت پایین نیاید، اجازه می‌دهیم واردات انجام شود تا قیمت نشکند.» آیا این سیاست چیزی جز تامین منافع تجار عمده و دلالان است وزارت بازرگانی با پایمال کردن حق دهقانان، منافع کدام لایه‌ها و قشرها را مورد حمایت قرار می‌دهد؟!!

در سایه چنین سیاست‌هایی، دهقانان میهن ما هر روز فقیرتر می‌شوند و تولید کشاورزی رو به اضمحلال می‌رود و این همه ماجرا نیست، بر پایه برنامه توسعه و برنامه چشم انداز توسعه بیست ساله و لایحه بودجه بی که دولت در این چارچوب تهیه کرده بخش کشاورزی قرار است مطابق خواست و استانداردهای سازمان تجارت جهانی سامان دهی گردد. عباس رجایی عضو کمیسیون کشاورزی مجلس چندی پیش خواستار سیاستگذاری تام و تمام بخش خصوصی در رشته کشاورزی شد و آن را طرح دولت که بزودی اجرا خواهد شد نامید وی متذکر گردید، ۸۰ درصد تولید بخش کشاورزی توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد اما ۸۰ درصد کار در اختیار بخش دولتی است. دولت درصدد است با استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی کارهایی را به آن بسپرد که جهاد کشاورزی و وزارت کشاورزی به کارهای دیگر مشغول شوند، حضور بخش خصوصی مورد نظر و خواست سازمان تجارت جهانی است و ما در این مسیر حرکت می‌کنیم بر پایه چنین سیاست‌هایی است که شاهد فروپاشی جدی تولیدات بخش کشاورزی و فقر و تیره روزی دهقانان هستیم. در این باره معاون وزیر جهاد کشاورزی اعتراف می‌کند: «در برنامه چهارم توسعه نگاه روشنی به روستا به چشم نمی‌خورد، بیکاری گسترده در روستا وجود دارد، عدم توسعه روستایی و کشاورزی باعث مهاجرت روستاییان به شهرها و تبدیل هنجار به ناهنجار شده است.»

و مهم تر اینکه دولت جدید که با ادعای عدالت محوری و مهرورزی بر کرسی ریاست جمهوری گمارده شده، در لایحه بودجه سال ۸۵، ضمن آنکه اعتبارات هنگفتی به برخی بنیادها نظیر بنیاد غدیر، بنیاد شهید و نهادهای پوسیده ای چون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت اختصاص داده از بودجه و اعتبارات بخش کشاورزی کاسته است، به گزارش خبرگزاری ایلنا یکی از نمایندگان مجلس در نطق پیش از دستور خود در اعتراض به کاهش بودجه بخش کشاورزی از جمله یادآوری کرده است: «روستاییان در لایحه بودجه امسال مظلوم واقع شده‌اند، بودجه بیمه در سال ۸۵ نسبت به سال ۸۴ میزان ۶۰ میلیارد تومان کاهش داشته، در بودجه سال آینده مظلومیت روستاییان در رابطه با بیمه خدمات درمانی و آب آشامیدنی سالم به چشم می‌خورد.... روستاها مظلوم هستند.»

کوتاه سخن: بر اثر سیاست‌های رژیم ولایت فقیه، آنچه در روستاهای کشور در حال وقوع است، به معنای کامل کلمه یک فاجعه فلج و دردناک با پیامدهای اجتماعی ژرف است. به راستی، مسئول زندگی و سرنوشت میلیون‌ها دهقان میهن ما کیست؟! چه کسانی پاسخ‌گوی این فاجعه هستند؟! آیا معنای عدالت محوری و مهرورزی دولت احمدی نژاد این است؟!!

شده و پیش بینی می‌شود روند واردات همچنان ادامه یابد در حال حاضر قیمت پنبه مخلوج در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۲ درصد کاهش یافته است و کشاورزان در وضعیتی نامناسب قرار گرفته‌اند.»

در خبر دیگری به تاریخ ۲ بهمن ماه، مدیر عامل صندوق پنبه، زوایای دیگر مساله را روشن ساخت، وی خاطر نشان کرد: «در راستای بحرانی شدن صنعت پنبه و بی توجهی مسئولان، کشاورزان سال آینده سطح کشت پنبه را تغییر خواهند داد، عدم حمایت دولت از کشاورزان پنبه کار موجب فقر گروه بزرگی از آنان شده و دیگر رغبتی برای تولید این محصول نمانده است.»

این مقام مسئول سپس اضافه می‌کند: «دولت تاکنون نه تنها سیاست حمایتی در زمینه کشت و تولید پنبه و کاهش مشکلات پنبه کاران ارایه نکرده بلکه با تاخیر در پرداخت پول کشاورزان بابت خرید پنبه تضمینی، مشکلات را چند برابر و زندگی روستائیان را دشوار ساخته است و با توجه به کاهش سطح زیر کشت پنبه در سال آینده به صنایع نساجی باید پنبه وارداتی را با قیمت گرانتر و با احتساب هزینه حمل و نقل خریداری کنند.»

این وضعیت البته اتفاقی نیست. کاهش نرخ بهره بانکی به روش مندرج در لایحه بودجه و بنابه سیاست دولت احمدی نژاد، این امکان را برای تجار عمده و دلالان فراهم می‌کند تا با دست باز و بدون دغدغه با کسب اعتبارات بانکی بر شدد و سرعت واردات کالا به کشور بیفزایند که این امر سبب نابودی کشاورز و کشاورزی می‌گردد. علاوه بر پنبه، صدها دهقان چای کاربا سیاست اتخاذ شده توسط دولت احمدی نژاد به خاک سیاه نشسته‌اند. رییس اتحادیه چایکاران در اواسط دی ماه به خبرنگاران اعلام داشت: «متاسفانه علی‌رغم مذاکرات صورت گرفته با مجلس شورای اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تاکنون هیچ اقدامی از سوی مسئولان در جهت اجرای تعهدات صورت نگرفته، در صورت ادامه مشکلات و بی توجهی به کشاورزان در سال آینده هیچ کشاورزی وارد باغ چای نخواهد شد.»

یکی از علت‌های اصلی علاوه بر واردات چای حضور دلالان به عنوان تعیین کننده نرخ برگ سبز چای در بازار است. دلالان بابت تولید برگ سبز چای از هر هکتار باغ حدود ۱۰۰ هزار تومان پول به کشاورزان می‌پردازند در حالی که نرخ تضمینی خرید آن توسط دولت حدود ۶۶۰ هزار تومان است. اما به گفته رییس اتحادیه چایکاران قیمت تمام شده تولید این محصول از هر هکتار معادل ۷۰۰ هزار تومان است. جالب اینجاست که طبق گزارش خبرگزاری مهر، در بودجه سال ۸۵، یارانه سامان دهی امور چای بیش از ۲۸۰ میلیارد ریال کاهش یافته است و این چیزی جز نابودی زندگی دهقانان چایکار نیست. گفتنی است که قاچاق و واردات چای از اسکله‌های غیر مجاز سود هنگفتی برای نهادهایی چون بنیاد غدیر، سپاه پاسداران و کمیته امداد خمینی داشته و دارد. خبرگزاری

## زندگی دشوار فرهنگیان

**\* حقوق و مزایای فرهنگیان کشور با توجه به سیاست‌های رژیم در سال آینده خورشیدی تغییر چندانی نخواهد کرد، و این در حالی است که نرخ تورم سیر صعودی دارد. بعلاوه طرح‌ها و سیاست‌گذاری‌های ارتجاع در خصوص مسایل مربوط به آموزش و پرورش، بیش از گذشته سبب تبعیض و نابودی امنیت شغلی آنان شده است!**

چندی پیش گروهی از فعالان کانون صنفی معلمان ایران با ارسال دو نامه به کمیسیون اصل ۹۰ و سازمان بازرسی کل کشور خواستار بررسی و تحقیق از سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت آموزش و پرورش شدند. علت این درخواست وجود اختلاف چشمگیر در اسناد پرداخت حقوق موجود در سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت آموزش و پرورش با فیش‌های دریافتی معلمان کشور بود.

با انتشار این دو نامه اعتراضی در رسانه‌های همگانی بار دیگر وضعیت وخیم حاکم بر زندگی فرهنگیان میهن ما در معرض دید افکار همگانی قرار گرفت. این اعتراضات با توجه به تدوین و تهیه لایحه بودجه کل کشور برای سال ۸۵ ابعاد وسیع‌تری یافت.

مطابق خبر رسمی سازمان مدیریت و برنامه ریزی و ارقام مندرج در لایحه بودجه سال ۸۵، افزایش حقوق کارمندان دولت در سال آینده به اندازه تورم در سال ۸۴ خواهد بود. به این ترتیب قدرت خرید فرهنگیان کشور در مقایسه با نرخ تورم در سال آینده به میزان قابل توجهی با سقوط مواجه می‌شود.

در سالهای گذشته فرهنگیان با برپایی گردهمایی و اعتراضات متعدد به مکفی نبودن حقوق و دستمزدهای خود و عدم تناسب آن با نرخ واقعی تورم واکنش نشان داده اند اینک با توجه به سیاست‌های دولت جدید و آنچه در لایحه بودجه قید گردیده تناسب دستمزد با نرخ تورم وضعیت ناگوارتری می‌یابد و لذا اکثریت مطلق فرهنگیان قادر به تامین زندگی حداقل خود و خانواده هایشان نخواهند شد. اکنون با گذشت فقط چند ماه وعده‌های وزیر جدید آموزش و پرورش که در روز رای گیری برای کسب اعتماد از مجلس گفته بود: «قدرت خرید معلمان تا پایان سال ۸۴ دو برابر خواهد شد. پوچ و دروغین از آب در آمده است.»

پایین بودن حقوق و مزایای فرهنگیان در شرایطی است که ساعات کار آموزگاران و دبیران با محدودیت معینی روبرو نیست به این معنا که فرهنگیان خواستار محدود شدن ساعات کار هفتگی خود ساعت هستند. عدم افزایش دستمزد فرهنگیان توسط دولت احمدی نژاد و بی توجهی کامل به منافع آنان هنگامی روشن تر می‌شود که به بودجه و اعتبارات مندرج در لایحه بودجه کل کشور توجه کنیم، به گفته معاون کمیسیون فرهنگی مجلس ارتجاع که در پایگاه خبری امروز به تاریخ ۳۰ دی ماه انتشار یافته است، اعتبارات فرهنگی در بودجه سال آینده در مجموع افزایش نشان می‌دهد و این افزایش شامل: **دفتر تبلیغات اسلامی ۵۰ درصد افزایش، حوزه علمیه خواهران ۱۰۰ درصد افزایش، حوزه علمیه برادران ۴۰ درصد**

**افزایش و مجمع جهانی تقریب مذاهب و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به ترتیب ۷۸ و ۴۵ درصد افزایش یافته اند.**

و یا امیر رضا خادم عضو کمیسیون فرهنگی و رییس کمیته تربیت بدنی و جوانان مجلس هفتم با صراحت یادآوری کرده است، میزان افزایش بودجه‌های مذهبی (مساجد، بنیادهای به اصطلاح فرهنگی وابسته به حوزه علمیه، هیات‌های روضه خوانی و سینه زنی، جمکران و جز اینها) در لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ به طور متوسط صددرصد است و یا در اقدامی مشابه سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران اعلام کرد اعتباری به میزان یک میلیارد و پانصد میلیون تومان برای کمک به هیات‌های مذهبی در ماه محرم امسال اختصاص داده است. اما سطح دستمزد فرهنگیان هیچ افزایشی ندارد. در کنار مسایل مربوط به سطح دستمزد و معیشت فرهنگیان کشور، یکی از مشکلات مهم آنها، طرح‌هایی است که وزیر آموزش و پرورش با تلاش و پیگیری دنبال می‌کند، از جمله این طرح‌ها می‌توان به استخدام طلاب حوزه علمیه برای کارهای تربیتی و مشاوره‌ای در سطوح دبستان، مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها اشاره کرد، ضمن اینکه محمود فرشیدی وزیر آموزش و پرورش دولت احمدی نژاد اعلام داشته است که این وزارتخانه در صدد است با ایجاد مدارس مذهبی مانند مدرسه اسلامی در سطوح مختلف تجدید و فق مدارس خاص مذهبی را در کشور پیاده کند، بی دلیل نیست که مطبوعات گزارش دادند در پی دیدار وزیر آموزش و پرورش با مصباح یزدی و مذاکراتی که صورت گرفته، توافق شده است موسسات مذهبی تحت هدایت مصباح یزدی و همفکرانش به آموزش و تربیت نیروهای وزارت آموزش و پرورش گمارده شوند. در این باره، پایگاه خبری فردا به تاریخ اول بهمن ماه چنین گزارش داد: «مدتی قبل فرشیدی وزیر آموزش و پرورش به همراه تعدادی از معاونان و مسئولان عالی رتبه این وزارتخانه به قم رفتند و با آیت‌الله مصباح دیدار کردند، در این ملاقات آیت‌الله مصباح یزدی توضیح داد که تاکنون راهی برای ورود به آموزش و پرورش باز نشده بود و اینک این فرصت ایجاد شده است که برای آموزش مورد نیاز این وزارتخانه موسسه امام خمینی وارد صحنه شود و فعالیت کند. وزیر آموزش و پرورش هم از این همکاری استقبال کرد و قرار شد در زمینه گسترش طرح آموزش مبانی اندیشه اسلامی برای فرهنگیان، کمیته‌ای به مسئولیت یکی از معاونان وزیر تشکیل شود... گفتنی است که موسسه امام خمینی قم که زیر نظر آیت‌الله مصباح اداره می‌شود، یکی از موسساتی است که در طی سال‌های گذشته با یک کار زیر بنایی به تربیت ده‌ها طلبه دارای مدارک دانشگاهی تا سطح عالی همت کرده و با برنامه ریزی دقیق و تدوین مبانی فکری و تربیت نیروهای توانمند، برای تاثیر گذاری دراز مدت کار می‌کرده است.»

در پیوند با چنین اقداماتی، عرصه برای کار فرهنگیان هر روز تنگ تر می‌شود. در این زمینه ارتجاع حساب شده و بسیار دقیق عمل می‌کند. در هفته‌های اخیر تعدادی از امامان جمعه شهرهای مختلف کشور از جمله اصفهان، تبریز و چند شهر دیگر تبلیغات دامنه داری را بر ضد فرهنگیان به ویژه بانوان فرهنگی به راه انداختند. به طور مثال طباطبایی، امام جمعه اصفهان، در مراسم تودیع رییس آموزش و پرورش اصفهان با وقاحت اعلام داشت: «متأسفانه شاهدیم که زنان معلم با آرایش‌های نامناسب در مدارس حاضر می‌شوند که بارها و بارها در طول سال‌های گذشته به مدیران آموزش و پرورش این موارد را گوشزد کرده‌ام، اما آنها پیگیری نکرده‌اند و وضعیت هر روز بدتر شده است... چنانچه در آموزش و پرورش که یک سازمان فرهنگی است معلمان سبب فساد باشند، بهتر است در آن بسته شود.» به این ترتیب نیروهای سیاه و تاریک اندیش با تقویت مالی دولت عرصه را بر فرهنگیان و در واقع بر دانش و پیشرفت و آینده کشور مسدود می‌سازند. در اثر عملکرد ارتجاع زندگی، معیشت و امنیت شغلی فرهنگیان به شدت مورد تهدید قرار گرفته است!

## آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!



ولی  
با وجود  
همه این  
تمهیدات،  
عزم جدی  
سندیکا و  
کارگران

## اعتراض سندیکای شرکت واحد، احیاء حقوق سندیکایی و افزایش دستمزدها

سندیکای کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه، طی اطلاعیه ای که در تاریخ ۴ بهمن ماه امسال انتشار داد، از کلیه کارگران، رانندگان و کارکنان این شرکت دعوت کرد، از آنجا که خواسته های به حق و قانونی کارگران تا به حال علی رغم قول های مسئولان حکومتی تحقق نیافته است و نیز خواست آزادی منصور اسانلو رییس هیات مدیره سندیکا، دست از کار کشیده و در روز شنبه ۸ بهمن ماه اعتصاب کنند. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «از تمام همکاران بویژه رانندگان غیور و حق طلب در دو شیفت صبح و عصر و کارگران تعمیر گاه ها و مناطق دهگانه و اتوبوس برقی و واحد گشت و امور اداری دعوت می نمایم در یک اتحاد و همبستگی فراگیر و غیرتمندانه در مورخ شنبه ۸ بهمن ماه از اول صبح دست از کار کشیده و در مناطق تجمع کرده و تا آزادی آقای منصور اسانلو و به رسمیت شناختن سندیکا و انعقاد پیمان دست جمعی ششم به اعتصاب در همه مناطق اتوبوس برقی و واحد گشت ادامه داده و هماهنگی با تصمیمات بعدی هیئت مدیره سندیکا آماده باشید.» به دنبال انتشار این اطلاعیه سندیکا که بر حقوق قانونی و بدیهی زحمتکشان تاکید دارد، رژیم ولایت فقیه دست به اقدام های شدید و مانورهای مختلف برای جلوگیری از حرکت اعتراضی زحمتکشان زد، ابتدا از طرف حراست شرکت واحد با مسئولان سندیکا تماس گرفته و از آنها خواسته شد که از اعتصاب دست بردارند و در صورت پذیرش این خواست، اسانلو رییس هیئت مدیره بدون سر و صدا از زندان آزاد خواهد شد، این اقدام برای فریب رهبری سندیکا تدارک دیده شده بود که با هوشیاری آنان عقیم ماند.

پس از آنکه این ترغیب ناکام ماند روز چهارشنبه ۵ بهمن ماه، چهار تن از رانندگان را در محل کار دستگیر و پس از بازجویی توأم با تهدید و ضرب و شتم آزاد می کنند، تا به کارگران نشان داده شود در صورت اصرار بر اجرای اعتصاب با آنان به شدت برخورد خواهد شد. هدف از این دستگیری و تهدید ایجاد فضای رعب و وحشت و ترساندن کارکنان شرکت واحد بود. در پی این حرکت، روز پنج شنبه ۶ بهمن ماه، شش تن از اعضای هیئت مدیره سندیکا به دادستانی انقلاب اسلامی تهران احضار شده و هر شش نفر بلافاصله بازداشت و به زندان انتقال می یابند و در فضایی به شدت تحریک شده مسئولان رژیم سندیکا و فعالیت سندیکایی را غیر قانونی اعلام کرده و به کارگران اخطار می کنند، در صورت ادامه حرکت اعتراضی با آن قاطعانه برخورد خواهد شد. در این خصوص پاسدار قالیباف شهردار تهران در جریان بازدید از منطقه ۱۲ شهرداری تهران خاطر نشان ساخت: «مطمئن هستم رانندگان فهیم و شریف اتوبوس رانی به هیچ وجه فریب سخنان تحریک آمیز برخی افراد سود جو را نخواهند خورد و در این اعتصاب شرکت نخواهند کرد، ... آن طور که بنده مطلع هستم سندیکای فعلی کارکنان اتوبوس رانی فاقد مجوز (مجوز از وزارت کشور) بوده و در نتیجه فعالیتش نیز غیر قانونی است.»

علاوه بر این، مسئولان شورای اسلامی کار شرکت واحد نیز دست در دست شهردار تهران و وزارت اطلاعات، سندیکای قانونی علنی و مورد حمایت کارگران، شرکت واحد را اقداماتی ضد انقلابی و مورد پسند دشمن معرفی کردند، به گزارش ایلنا شورای اسلامی کار شرکت واحد به خبرنگاران اعلام نموده است:

اعتصاب روز شنبه رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی شهر تهران و حومه، تنها شایعه پراکنی اعضای تشکل خود خوانده سندیکای کارگران این شرکت است... تنها شورای اسلامی کار مجموعه شرکت واحد نماینده واقعی کارگران وظیفه دارد، پیمان دستجمعی را در صورتیکه لازم باشد (!!!) امضاء کند.

در کنار خانه کارگر و شورای اسلامی کار، بسیج نیز علیه زحمتکشان و سندیکای آنها وارد عمل شد و در روز پنج شنبه ۶ بهمن ماه اطلاعیه در سطح شهر تهران منتشر و توزیع گردید که در آن با امضاء جمعی از بسیجیان تهران، کارگران معترض و سندیکای کارگران شرکت واحد وابسته به آمریکا، ضد انقلاب و عناصر خرابکار معرفی می کرد.

بویژه رانندگان در دفاع از حقوق خود، رژیم را در هراس و نگرانی فرو برد و روز شنبه ۸ بهمن ماه، هزاران تن از نیروهای انتظامی در کنار واحدهای بسیج و با کمک افراد حراست شرکت واحد در مناطق دهگانه این شرکت حضور و با ضرب و شتم و بازداشت کارکنان به سرکوب اعتصاب و اعتراض بحق و قانونی زحمتکشان پرداختند، تمامی گزارشات در روز شنبه حاکی از آن بود که شهر تهران رنگ امنیتی به خود گرفته است، ماموران امنیتی و بسیج در سحرگاه شنبه به خانه بسیاری از فعالان سندیکا و کارگران عضو و هوادار سندیکا یورش برده و در مواردی تعدادی از همسران و کودکان فعالان سندیکایی رانیز با ضرب و شتم و شیوه های وحشیانه از خانه هایشان ربوده و روانه بازداشتگاه های رژیم ساختند.

یکی از کارگران عضو سندیکا در این خصوص طی مصاحبه ای یاد آوری شد: «نزدیک به ۱۲۰۰ نفر دستگیر شده داریم، خانواده ها و بچه ها را با ضرب و شتم برده اند. ساعت ۴ صبح به خانه ها یورش بردند و حتی کتک کاری هم کردند... در منطقه ۶ حتی تعدادی از مردم عادی هم دستگیر شده اند... در منطقه ۴ که قرار بود بچه ها جمع شوند تیر اندازی هوایی شد و با تفنگ و گاز اشک آور پرتاب کردند. آنجا هم همه را متفرق کردند... در هر منطقه شرکت واحد حدود ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ نفر پلیس مستقر است در حالیکه تعداد کارکنان آنجا به ۷۰۰ یا ۸۰۰ نفر هم نمی رسند، در منطقه ۶ حتی اجازه نمی دهند ۲ نفر با هم سلام علیک کنند... از هر نوع نیروی امنیتی در تهران در این سرکوب شرکت کرده... فقط از منطقه ۴، سه اتوبوس پر از افراد بازداشت شده را بردند، بازداشتی ها را به پایگاه هشتم اطلاعات منتقل کردند.» یکی دیگر از کارگران به خبرنگاران گفت: «هر چند که اینها توانستند حرکت ما را به نوعی خاموش کنند، ولی چون فکر می کنیم راه مان درست است و به حق هستیم به مبارزه خود ادامه می دهیم و خواستار احقاق حقوق قانونی خود هستیم.»

سخنان این زحمتکش واقعیت امروری جنبش اعتراضی کارگران را نشان می دهد، گر چه اعتصاب شرکت واحد با خشونت وحشیانه در هم شکسته شد اما مبارزه برای احقاق حقوق زحمتکشان به قوت خود باقی است و به اشکال مختلف جریان دارد. اقدام شجاعانه سندیکای کارگران شرکت واحد بخشی از مبارزه سراسری طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ماست که می باید سطح همبستگی و سازماندهی در آن تقویت و ارتقاء یابد. در عین حال تجربه مبارزه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه نشان داد، در هر اقدامی می باید نیرو و امکانات خود و طرف مقابل را به درستی سنجید، زمان و لحظه مناسب را تشخیص داد و مهمتر از همه پیوند و ارتباط عمیق با توده کارگران را تحکیم و تقویت نمود. مبارزات طبقه کارگر و جنبش سندیکایی نمی تواند جدای از اوضاع جاری و یا جدای از مجموعه رخ دادهای در حال وقوع کشور باشد. بنابر این محاسبه دقیق هر اقدام در جنبش سندیکایی در دوران کنونی، فوق العاده با اهمیت می باشد.

و نکته بسیار پر اهمیت ایجاد و برقراری رابطه مستحکم و قابل قبول با دیگر بخش های کارگری است، به عنوان نمونه اکنون مساله افزایش

## ادامه اعتراض سندیکای شرکت واحد ...

دستمزدها به خاطر سیاست های وزیر کار به موضوعی جدی و حاد بدل شده که سندیکاهای مستقل و واقعی نظیر سندیکای کارگران شرکت واحد می توانند با استفاده از آن در راه احیاء حقوق سندیکایی به موازات افزایش سطح دستمزد ها مطابق با نرخ واقعی تورم گام های بلندی به سود ارتقاء سطح همبستگی در جنبش سندیکایی بردارند و در این زمینه امسال با توجه به روی کار آمدن دولت احمدی نژاد تعیین سطح دستمزد ها به روال همیشگی صورت نمی گیرد. از آنجا که مساله تنظیم و تعیین میزان دستمزد ها با حساسیت فوق العاده از سوی کارگران و زحمتکشان دنبال می شود و اثری مستقیم در زندگی و امنیت شغلی آنها دارد، ارتجاع حاکم تصمیم گرفته با اقدام هایی مشخص مانع از شکل گیری جنبش اعتراضی زحمتکشان در زمینه خواست افزایش دستمزد ها بر اساس نرخ واقعی تورم شود. این برنامه ارتجاع ناشی از این واقعیت است که دولت احمدی نژاد بر خلاف مدعیات تبلیغاتی دوران انتخابات در تنظیم لایحه بودجه کل کشور برای سال ۸۵، با مبنای قرار دادن قیمت حدود ۴۰ دلاری نفت، مجموعه هزینه ها و مصارف دولت های سالهای قبل را که خود علیه آنها شعار می داد، پذیرفته است و شعارهایی نظیر صرفه جویی در هزینه های جاری، به دست فراموشی سپرده شده است. به گفته بسیاری از کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، یگانه راه کاهش هزینه ها و به اصطلاح صرفه جویی، لغو برخی امکانات رفاهی، کاهش دستمزد ها و جز اینهاست که در لایحه بودجه توسط دولت احمدی نژاد به آن توجه شده است.

امسال، برای افزایش دستمزد ها طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، به دلیل حضور دولت احمدی نژاد با دشواری جدی روبرو خواهند بود. به همین دلیل شاهد مانورهای وزارت کار برای فریب زحمتکشان هستیم. یکی از این اقدام ها، برگزیدن برخی از افراد به نام کارگر از میان جامعه اسلامی کارگران در جلسات شورای عالی کار است.

در اوایل دی ماه امسال خبرگزاری کار ایران گزارش داد: در وزارت کار اعلام شده است که جلسات شورای عالی کار در ایام پایانی سال و با حضور نمایندگان کارگری منتصب وزیر کار (جامعه اسلامی کارگران) تشکیل خواهد شد. در همین خصوص گروهی از کارگران استان همدان با امضاء طوماری خطاب به وزارت کار یادآور شدند: «انتصاب نمایندگان کارگری در شورای عالی کار توسط وزیر کار، توهین به کارگران است. در بخشی از این نامه آمده است: انتصاب افراد مطیع وزیر، به جای نمایندگان واقعی کارگران در شورای عالی کار تبعات منفی دارد و نسبت به این حرکات هشدار می دهیم.» از سوی دیگر به گزارش ایلنا به تاریخ ۱۴ دی ماه، کارگران استان آذربایجان غربی در اعتراض به سیاست های وزیر کار تجمع کرده و اعلام داشتند: «وزیر کار در امور کارگران دخالت می کند و مانع حضور نمایندگان کارگری در جلسات شورای عالی اشتغال و شورای عالی کار شده است، نباید اجازه دهیم دستگاه وزارت کار بیش از این به خود جرات تعرض به حریم مقدس کارگران را بدهد.»

به دنبال این روش ها که وزارت کار حساب شده و با برنامه اعمال می کند، معاون روابط کار و امور اجتماعی وزارت کار در تاریخ ۱۶ دی ماه در جریان نشست مسئولان واحدهای مختلف سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای استان همدان از تصمیم جدی دولت در بازنگری قانون کار و تأمین اجتماعی خبر داد، وی با صراحت خاطر نشان ساخت: «تثبیت شغل، پایداری بنگاههای اقتصادی و حمایت از کارآفرینان (بخوان کلان سرمایه داران و دلالان بازار) از اصلی ترین سیاست های وزارت کار هستند... حمایت از کارآفرینان (کلان سرمایه داران) و صاحبان ایده های نو در عزم دولت است و تمامی بدنه وزارت کار در جهت تحقق این برنامه بسیج خواهد شد.»

اما مهمترین نکته ای که معاون وزیر کار به آن اشاره کرد، واگذاری فعالیت های حوزه بازرسی کار این وزارتخانه به بخش خصوصی بود که به گفته او مرحله آزمایشی عملیاتی این طرح آغاز شده است. معاون وزیر کار اعلام داشت: «اجرای این طرح در نیمه دوم سال ۸۵ به صورت قطعی اجرا می شود و پروانه کار بازرسی از بنگاه های اقتصادی به بخش خصوصی اعطاء می شود.»

مطابق این طرح ضد کارگری، سرانجام پس از سال های طولانی سرمایه داری غیر مولد ایران به آروزی خود که لغو سیستم بازرسی از کارگاه ها و مراکز تولیدی بود، می رسد. این طرح لطمه بزرگ و جبران ناپذیر به منافع و امنیت شغلی کارگران وارد می سازد و باید قاطعانه به مخالفت با آن برخاست. بی جهت نبود که، یکی از نمایندگان کارگران شهر کاشان این طرح را **به مسلخ بردن سلامت و امنیت شغلی کارگران** نامید.

علاوه بر این بخش دیگر توطئه وزارت کار، تحت ریاست جهرمی، طرح و برنامه فوق العاده ارتجاعی و خانمان برانداز موسوم به منطقه ای شدن دستمزد ها است که اولاً سبب تفرقه در جنبش کارگری شده و ثانیاً به سرعت سطح دستمزد کارگران را با کاهش مواجه خواهد ساخت.

اگر این طرح پیاده شود یعنی دستمزد ها به شکل منطقه ای تعیین گردد، دیگر معیاری برای تعیین دستمزد واقعی در سراسر کشور آنهم مطابق با نرخ واقعی تورم وجود نخواهد داشت. این طرح بی نهایت ضد کارگری، چنان وضعیتی را پدید می آورد که در آن فقط و فقط کلان سرمایه داران و تجار عمده سود می برند و نیروی کار زحمتکشان به بازپچه امیال و تابع منافع گروه اندکی از سرمایه داران بدل می گردد و قدرت مبارزه متشکل زحمتکشان و یا به عبارتی، جنبش سندیکایی آنان همیشه در تفرقه و تشتت قرار گرفته و امکان همبستگی و سازماندهی در جنبش کارگری تضعیف می شود.

در همین رابطه و به دنبال سیاست وزارت کار، یکی از اعضای هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران، که اینک با جامعه اسلامی کارگران مرتبط گردیده، در اوایل بهمن ماه به خبرگزاری کار صراحتاً اعلام داشت: «رییس جمهور مقتدرترین مرد کابینه خود را برای وزارت کار در نظر گرفت تا به وعده های خود در خصوص جامعه کارگری (بخوان طبقه کارگر) جامه عمل بپوشاند.» البته باید به این عنصر وابسته به نهادهای ارتجاعی یادآوری کنیم که، اتفاقاً با حضور این به اصطلاح مقتدرترین مرد کابینه و بنابه مصوبه دولت احمدی نژاد، در ۵ بهمن ماه، هیات وزیران به ریاست شخص احمدی نژاد و با حضور جهرمی وزیر کار طرح کارفرمایان مبنی بر تمدید ماده ۱۹۱ قانون کار را از تصویب گذرانند. این مصوبه یعنی تمدید سه ساله معافیت کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، امری که موجب پایمال شدن امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما شده است. و جالب تر اینکه تمدید ماده ۱۹۱ اصلاً در شورای عالی کار مطرح نشد و هیات وزیران با بی توجهی کامل به حقوق زحمتکشان آنرا تصویب و ابلاغ کرد!

به علاوه همزمان با این مصوبه، معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در جریان نشست خبری، روز چهارشنبه پنجم بهمن ماه، خاطر نشان ساخت: «مزد ها به صورت منطقه ای و هدفمند تعیین خواهد شد و در تعیین حداقل دستمزد علاوه بر منطقه جغرافیایی با نظر شرکای اجتماعی (دولت و سندیکای کارفرمایان غیر مولد) در نیمه دوم اسفند ماه اعلام خواهد شد.» در چنین اوضاعی، ضرورت گسترش جنبش اعتراضی به ویژه بر محور عمده ترین خواست ها که امکان جلب و حمایت و گردآوری مجموعه کارگران و زحمتکشان را دارد، از اهمیت اصولی و درجه اول بر خوردار است. وحدت در جنبش سندیکایی، تقویت سندیکاهای مستقل و تشدید مبارزه برای احیاء حقوق سندیکایی اولویت های درنگ ناپذیر لحظه کنونی قلمداد می شوند. باید با اتحاد و همبستگی و تقویت صفوف جنبش سندیکایی، توطئه وزارت کار تحت ریاست جهرمی را خنثی و افشاء نموده و از حقوق کارگران و زحمتکشان و آینده آنان دفاع کرد.

## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی

پلیس و مامور انتظامی، لباس شخصی و لباس رسمی را به جان ما انداختند تا اعتصاب ما را در هم شکنند. این وضعیتی است که ما داریم.» حمله دوباره دستگاه‌های امنیتی رژیم به کارگران و فعالان سندیکایی، بخشی از سیاست دولت جدید رژیم استبدادی برای درهم کوبیدن صداهای مخالف، خصوصاً سرکوب خشن مبارزه طبقه کارگر ایران است که می‌تواند به خطری جدی بر ضد رژیم تبدیل شود. این سیاست در کنار تهاجم به جنبش دانشجویی، سرکوب مطبوعات و روزنامه نگاران و امنیتی کردن بیش از پیش فضای کشور به بهانه خطر تهاجم خارجی، بخشی از برنامه استراتژیک و خطرناک حکومت استبداد برای تثبیت اوضاع سیاسی به نفع خود، از بین بردن امکانات جنبش مردمی و سرانجام تحمیل حکومتی بیش از پیش ارتجاعی و ضد مردمی، همچون حکومت طالبان است. سکوت پر معنای شماری از نیروهای سیاسی-اجتماعی، خصوصاً اصلاح طلبان تنها به سود تشدید حملات ارتجاع عمل خواهد کرد. سکوت در مقابل تهاجمات ارتجاع نه تنها کار دفاع و آزادی دستگیر شدگان را دشوارتر می‌کند بلکه چراغ سبزی است به مرتجعان حاکم برای تشدید و گسترده تر کردن دامنه این عملیات. باید با بسیج نیروهای اجتماعی در درون کشور و سازمان دهی همبستگی وسیع داخلی و بین‌المللی فشار را بر رژیم تشدید کرد و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران و فعالان دستگیر شده و خانواده‌های آنان را طلب کرد و همچنین خواهان به رسمیت شناختن و اجرای مقاوله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار درباره حق تشکل و سازمان دهی کارگران شد. نباید به رژیم اجازه داد تا گام به گام دست آوردهای جنبش مردمی در سال‌های اخیر را باز پس گرفته و فضای اختناق شدید و خونین را دوباره به شکل کامل بر میهن ما حاکم کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۹ بهمن ماه ۱۳۸۴

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:

## به مناسبت شصتمین سالگرد تشکیل جمهوری خودمختار کردستان ایران (پیروزی بی‌دوی ریبندان، سالروزی کوماری کردستان)

هم میهنان مبارز مردم قهرمان کردستان

دوم بهمن ماه، امسال برابر است با شصتمین سالروز تاسیس حکومت ملی و خودمختار جمهوری کردستان ایران. در این روز تاریخی هزاران نفر از مردم محروم و زحمتکش کردستان در پاسخ به فراخوان حزب دمکرات کردستان و قاضی محمد رهبر برجسته خلق کرد، در میدان مرکزی شهر مهاباد به نام چوارچیرا (=چهار چراغ) گردهم آمدند و با اعلام برقراری جمهوری خودمختار مهاباد، برگ زرینی به تاریخ مبارزات مردم میهن ما افزودند. حزب توده ایران فرا رسیدن شصتمین سالگرد این روز تاریخی را به همه هم‌میهنان به ویژه مردم قهرمان کردستان و احزاب و نیروهای ملی و حق طلب کرد تبریک گفته و برای آنان در راه دستیابی به حقوق و خواسته‌های ملی و انسانی آرزوی موفقیت می‌کند. ما بر این باور بوده و هستیم که چنین امری در سایه اتحاد و همبستگی میان تمامی نیروهای ترقی خواه و دموکرات از جمله همکاری و مبارزه مشترک با احزاب و سازمانهای ملی خلقهای گوناگون ایران ممکن است. ما همواره بر این اعتقاد بودیم که مبارزه خلق‌های ایران از جمله خلق کرد، در راه خودمختاری، در چارچوب ایرانی دموکراتیک و آزاد، یک خواست کاملاً انسانی و ترقیخواهانه است. این مهم خود بخشی از مبارزه سیاسی و اجتماعی مردم میهن ما برای تامین خواسته‌های حق طلبانه و آزادی خواهانه محسوب میشود. دفاع از این خواست و مبارزه پیگیر در راه تحقق آن وظیفه همه احزاب و نیروهای دموکراتیک و ملی ایران است. زدن تهمت‌های بیبایه و غیر اخلاقی همچون تجزیه طلبی، اقدام علیه تمامیت ارضی کشور و وابستگی به خارج از سوی ارتجاع و دشمنان قسمخورده مردم برای ایجاد انحراف و در واقع برای سرپوشگذاشتن بر تحمیل ستم و نابرابری در جامعه است. همانگونه که رژیم ستمشاهی دهها سال با تبلیغات عوامفریبانه خود قصد داشت که مبارزات خلقهای گوناگون ایران را بیاعتبار جلوه دهد، رژیم ولایتفقیه نیز اکنون سال هاست که به این سیاست ضد مردمی و عدم تامین خواست‌های برحق خلقهای گوناگون ادامه میدهد. حزب توده ایران طی شصت سال گذشته دفاع از جنبش ملی خلق کرد و دست آوردهای تاریخی آن را از وظایف اصلی خود دانسته و همواره به این پیکار به دیده احترام نگریسته است. ما عمیقاً اعتقاد داریم که تحقق دموکراسی و برقراری یک حکومت مردمی در ایران ارتباط گسست‌ناپذیری با حل مسأله ملی و به رسمیت شناختن حق خودمختاری خلق‌های ایران، از جمله خلق کرد، در چارچوب ایرانی آزاد و واحد دارد. هنوز یک سال از برقراری جمهوری ملی مهاباد نگذشته بود که ارتجاع هجوم گسترده‌ای را بر ضد دولت خودمختار کردستان آغاز کرد. اصلی‌ترین وحشت ارتجاع داخلی و امپریالیسم، همانا نگرانی از تعمیق خواسته‌های این جنبش خلقی و مردمی و گسترش آن به سایر مناطق ایران بود. این گونه بود که پس از یازده ماه از استقرار حکومت خودمختار کردستان، حکومت ارتجاعی با محاصره همه جانبه کردستان و اعزام نیروی نظامی به سرکوب این جنبش پرداخت. فرماندهان نظامی اعزام شده به کردستان با دستگیری رهبران و اعضای دولت خودگردان کردستان و بالاخره اشغال شهر مهاباد به نابود کردن دست آوردهای آن پرداختند و در روز دهم فروردین ۱۳۲۶ قاضی محمد، رئیس دولت خودمختار، این چهره برجسته و محبوب خلق کرد را به همراه عده‌دیگری از رهبران و اعضای دولت خودگردان کردستان، به دار آویختند. تنها جرم آنها وفاداری به خلق و مبارزه به خاطر رسیدن به حقوق ملی و انسانی بود. از آن تاریخ تا کنون خلق ستمدیده کرد، همچنان در کنار سایر خلقهای ایران به مبارزه خود برای رسیدن به حقوق ملی ادامه میدهد. مردم رنج‌دیده و زحمتکش کردستان در طول این شصت سال قربانیان زیادی در این راه داده است. مردم سراسر ایران به این پیکار طولانی و پرفراز و نشیب به دیده احترام می‌نگرند. این مبارزه تا استقرار دموکراسی در ایران و تامین حق خودمختاری برای خلق‌های آن ادامه دارد. حزب توده ایران ضمن تجدید عهد با پیکار ملی و دموکراتیک خلق کرد و گرمای داشت این نهضت تاریخی میهن ما به یاد و خاطره همه شهدای خلق کرد که فداکارانه در راه آزادی و دموکراسی میهن جان خود را فدا کردند، درود می‌فرستد. ما اعتقاد راسخ داریم که سرانجام در سایه اتحاد و همکاری همه احزاب، سازمانها و نیروهای ملی و میهنی و تشدید مبارزه مردم میهن ما سرنوشت رژیم ارتجاعی حاکم نیز همچون رژیم ستمکار شاه خواهد شد، و همه خلقها و اقلیتهای ملی میهن ما در چارچوب ایرانی آزاد و آباد در کنار همدیگر به رشد و شکوفایی فرهنگی یاری خواهند رساند.

گرامی باد شصتمین سالگشت جمهوری خودمختار کردستان ایران!

گرامی باد خاطره همه شهیدان جنبش ملی و حفظ‌طلبانه خلق کرد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲ بهمن ماه ۱۳۸۴



بسیاری از رهبران و فعالین آن یا در زندان‌ها به سر می‌بردند یا مجبور به ترک میهن شده بودند. دکتر تقی ارانی و یاران همفکر وی فعالیت نوینی را به خصوص در میان اقشار جوان و روشنفکران آغاز کردند. که بعدها به خاطر دستگیری عده‌ای از آنان توسط شهربانی تهران در تاریخ احزاب سیاسی ایران به گروه پنجاه و سه نفر معروف گشته است.

ولی مهمترین کار دکتر ارانی در ایران انتشار مجله معتبر دنیا و کار در میان روشنفکران و جوانان و دانشجویان بود. این مجله که طی ۱۳۱۲ تا سالهای ۱۳۱۴ انتشار یافت، یکی از روشن‌گترین فعالیت‌های مطبوعاتی بود و در پرورش و تربیت نسلی از به‌اندیشه‌های علمی و اجتماعی نقش به‌سزایی بازی کرد.

شهربانی تهران که متوجه تلاشهای روشنگرانه و انقلابی دکتر ارانی و یاران وی شده بود، در سال تعدادی از آنها را دستگیر و روانه زندان کرد. ولی دادگاه گروه پنجاه و سه نفر در حقیقت به دادگاهی تبدیل شد که در آن حکومت رضاشاه و روش اختناق آمیز آن بر کرسی اتهام قرار گرفت بود. در این میان دفاع افشاگرانه دکتر ارانی در متهم کردند رژیم دیکتاتوری رضاخان نقش موثری بازی کرد. و اینچنین بود که مزدوران و زندانبانان زندان قصر قربانی خود را برای انتقام‌گیری انتخاب کرده بودند. و از وارد کردن هیچگونه شکنجه و فشار به وی کوتاهی نکردند به گونه‌ای که بالاخره بر اثر این فشارها در روز بهمن قلب دکتر تقی ارانی از تپش ایستاد.

با ارزیابی از کارنامه این زندگی کوتاه و درخشان است که سالها پیش احسان طبری، یکی از شاگردان و هم‌زمان ارانی در ستایش او چنین سروده بود:

اگر پُرسان شود از من جوانی  
که در راه شگرف زندگانی  
کرا از بهر خود سرمشق سازم؟  
بدون مکث می‌گویم: ارانی!

حزب ما از همان بدو تاسیس خود به پاس احترام و گرامی‌داشت خاطره این چهره مردمی و ضمن ارجگذاری به خاطره همه شهیدان جنبشها و نهضت‌های خلق‌های مختلف ایران، که تا آن زمان قربانیان زیادی داده بودند، تصمیم گرفت که روز شهادت دکتر ارانی در بهمن ماه را به این مناسبت انتخاب گردد تا هر ساله در این روز یاد همه قهرمانان شهید مردم گرامی داشته شود.

ادامه دهندگان راه ارانی و همچنین دیگر مبارزان راه آزادی و سربلندی میهن، نیز حماسه‌ها آفریدند. طی سالهای و در دفاع از جنبشهای آذربایجان و کردستان قهرمانان زیادی به خاک افتادند. در فردای کودتای تنگین مرداد سربازان و افسران در دست‌های مختلف سربلندانه به طلوع آفتاب آزادی بدرود گفتند. در جریان انقلاب بهمن هزاران مبارز برای دستیابی و تحقق شعار اصلی انقلاب که همانا آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود، جان خود را فدا کردند. در طول این سالیان وحشت و حکومت‌های دیکتاتوری چراغ جانهای بیشمار و پُرفروغی خاموش کشد. و شاعر در این زنجیره یادها و جانها، چه نغز سروده بود که: هر شب ستاره‌های به زمین می‌کشند... و باز این

## ۱۴ بهمن روز یادبود شهیدان

### یادکردی از یک چهره درخشان

در روز چهاردهم بهمن ماه دکتر تقی ارانی، یکی از چهره‌های برجسته تاریخ معاصر ایران، در زندان دیکتاتوری رضاشاه به شهادت رسید. ۱۰۲ سال پیش در چنین روزی کارگران و زحمتکشان ایران یکی از وفادارترین یاران خود را در سنین جوانی و در اوج شکوفایی فکری و معنوی از دست دادند. این واقعه در زمان خود جنایتی هولناک بود که مسئولیت اصلی آن متوجه دستگاه و رژیم جنایت پیشه رضاشاه است. شاعران، نویسندگان و هنرمندان تا کنون آثار فراوانی در ستایش و به یاد دکتر تقی ارانی، این فرزند شایسته مردم ایران، پدید آورده‌اند که جایگاه والای این چهره محبوب و دوستداشتنی را نشان می‌دهد.

تقی ارانی در روز ۱۳ شهریور در خانواده یک کارمند وزارت دارایی در شهر تبریز متولد شد و سالهای کودکی خود را در این شهر سپری کرد. بعد از انتقال محل مأموریت پدر به تهران این خانواده به همراه فرزند خود به پایتخت نقل مکان کردند. تقی ارانی در تهران وارد مدرسه ابتدایی شد و بعدها دوره دبیرستان را نیز با موفقیت و به عنوان شاگرد نمونه به پایان رساند. سال‌های کودکی و جوانی تقی ارانی، از پرفراز و نشیب‌ترین سالهای تاریخ معاصر ایران محسوب می‌گردد. از این میان می‌توان به وقایعی همچون انقلاب مشروطیت، وقوع جنگ جهانی اول و کشیده شدن دامنه آن به سرزمین ایران و همچنین رشد جنبش‌های اجتماعی و آزادی خواهانه در نقاط مختلف کشور اشاره نمود. شکی نیست که این وقایع و رخدادها، به خصوص پدید آمدن و شکل‌گیری نهضت‌های ملی و حرکت‌های توده‌ها بر ضد امپریالیسم، در تکوین و شکل‌گیری شخصیت ارانی جوان نقش مهمی داشته است. این تأثیرپذیری عزم او را برای انتخاب سیاسی و چاره‌اندیشی محکم کرده است. ارانی جوان به همراه یاران دبیرستانی خود در حرکت‌های اعتراضی مردم از جمله بر ضد قرارداد تنگین و وثوق الدوله که با انگلستان امضاء کرد، فعالانه شرکت می‌جست. این سال‌ها را باید سال‌های پیدایش و گسترش اولیه فعالیت‌های کارگری و سندیکای ایران به شمار آورد.

ارانی بعد از به پایان رساندن دبیرستان وارد دانشکده طب تهران شد، ولی پس از یک سال تحصیل در رشته پزشکی به کشور آلمان عزیمت کرد تا تحصیلات دانشگاهی خود را در شهر برلن ادامه دهد. در این تاریخ آلمان در تب انقلاب و اعتصاب‌های کارگری می‌سوخت. بسیاری از رهبران جنبش کمونیستی و کارگری وقوع انقلاب سوسیالیستی آلمان را قریب‌الوقوع می‌دانستند.

تقی ارانی در برلن هم‌زمان با تحصیل به خاطر مضیقه مالی مجبور بود شب‌ها در چاپخانه کار کند. این امر زمینه‌آشنایی او را با کارگران و شرایط زندگی آنان بیشتر کرد. وی همچنین در برلن در کنار برخی از مهاجرین ایرانی و کمونیست‌های جوان ایرانی به فعالیت پرداخت. ارانی در برلن به مطالعات وسیعی دست زد و با استعداد درخشانی که داشت شناخت علمی خود را در زمینه‌های مختلف گسترش داد. بعد از مدتی خود دست به قلم برد و آثار و مقالات متعددی به نگارش درآورد که به موقع خود در مطبوعات فارسی زبان چاپ اروپا منتشر می‌شدند. رشته اصلی تحصیلی ارانی دانشجوی شیمی بود و این نشان از علاقه او به علوم طبیعی را می‌رساند. علاوه بر این وی به عرصه کار فرهنگی به ویژه در زمینه ادبیات ایران نیز کشش داشت. او در این مورد چندین کتاب درباره خیام، ناصر خسرو و... تهیه دید و به چاپ رساند. همچنین وی را باید از اولین نویسندگان کتابهای درسی و آموزشی مربوط به فیزیک، شیمی و بیولوژی به حساب آورد. در باره نگارش مقالات فلسفی و ایدئولوژیک از منظر ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک نیز از راه‌گشایان ایرانی محسوب می‌شود. منتها این گونه تلاشهای ارانی برای خوانندگان نامه مردم روشن‌تر از آن است که احتیاج به توضیح بیشتری باشد. در این ارتباط فقط می‌توان برای تجدید خاطر به عناوینی چون: عرفان و اصول مادی، بشر از نظر مادی، زندگی و روح هم مادی است و کتاب ارزشمند پسیکولوژی اشاره کرد.

تقی ارانی پس از اتمام تحصیلات به ایران بازگشت و فعالیت‌های خود را در عرصه‌های گوناگون در تهران شروع کرد. این سالها مصادف بود با دوره سیاه حکومت رضاشاه که در آن فعالیت احزاب ممنوع بود و در این میان به ویژه حزب کمونیست ایران به دلیل تعقیب و پیگرد، به شدت مورد سرکوب قرار گرفته بود. و

## انتخابات فلسطین، پیروزی حماس و بن بست صلح

روز چهارشنبه ۲۵ ژانویه، اولین انتخابات پارلمانی فلسطین طی دهه ی گذشته برگزار شد که در آن بیش از ۷۷ درصد واجدین شرایط، شرکت جستند. در نظر سنجی های اولیه و همچنین در اولین ارزیابی ها در رابطه با نتایج انتخابات پیش بینی می شد که سازمان «الفتح» ۴۶ درصد آرا و حماس حدود ۴۰ درصد آرا را کسب خواهند کرد، اما شمارش قطعی آرا در پایان انتخابات به زودی روشن کرد که حماس توانست ۷۲ کرسی پارلمان فلسطین را به دست آورد. این در حالی است که «سازمان الفتح» فقط ۴۳ کرسی را از آن خود کرد.

با اعلام پیروزی «حماس»، بسیاری از کشورهایی که درگیر حل بحران بین اسرائیل و فلسطین هستند، اعلام کردند که «مذاکرات آتی» برای حل معضل خاورمیانه یا غیر ممکن است و یا بستگی به تغییرات جدی در سیاست ها و دیدگاه های حماس دارد. در اسرائیل، معاون نخست وزیر، اهود اولمرت، «پس از یک دیدار سه ساعته با هیئت دولت، اعلام کرد که اسرائیل حاضر نیست با حکومت فلسطینی که حماس در آن شرکت داشته باشد، مذاکره کند.» (بی بی سی ۲۷ ژانویه ۲۰۰۶). جورج بوش نیز در همان روز اعلام کرد که «تا زمانی که حماس از تروریسم دست بردارد، حاضر به مذاکره نخواهد شد» (به نقل از سی.ان.ان).

«سیلویو برلوسکنی»، نخست وزیر ایتالیا نیز اعلام کرد که پیروزی روز پنجشنبه حماس یک پیروزی بسیار بد بود و این که «اگر این خبر تایید شود، شانس صلح بین اسرائیل و فلسطین، آنچه که ما به آن امید داشتیم، تا زمان نامشخصی به تعویق خواهد افتاد» (هاآرتض، ۲۷ ژانویه ۲۰۰۶).

بنا به نوشته ی همین روزنامه، وزیر امور خارجه ی ایتالیا نیز گفت: «نتیجه ی انتخابات، ایجاد یک کشور فلسطینی را هرچه بیشتر مشکل خواهد ساخت.» (همانجا) رهبر جدید حزب کارگر اسرائیل، امیر پرتز، نیز که چندی پیش و پس از انتخابات رهبری این حزب، اعلام کرده بود که مذاکرات صلح برای تشکیل کشور فلسطین و ایجاد شرایط برای همزیستی «مسالمت آمیز» بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها، را ادامه خواهد داد، گفت: «حزب (کارگر) حاضر به مذاکره با یک گروه تروریستی، نخواهد شد، حماس طرفی برای مذاکره نیست، چراکه سیاست ها و باورهای آن، ثبات در خاور میانه را به خطر می اندازد.» او همچنین اضافه کرد که «واقعیت های جدید طلب می کند تا آمریکا و کشورهای اروپایی مواضع خود را در برابر شرایط جدید سیاسی اعلام کنند.» (ها آرتض ۲۶ ژانویه ۲۰۰۶) با وجود چنین شرایطی، محمود طهار، از بنیان گذاران سازمان حماس، اعلام کرد که حماس «حاضر نیست تا سلاح خود را زمین بگذارد و همچنان از آن به عنوان یک وسیله برای دفاع از حقوق مردم فلسطین استفاده خواهد کرد.» (بی بی سی ۲۷ ژانویه ۲۰۰۶)

سازمان الفتح نیز، به رغم اعلام آمادگی رهبران حماس برای همکاری با این سازمان برای تشکیل دولت آینده، اعلام کرد که «حاضر نیست با حماس ائتلاف کند.» (سایت خبری خلیج در مطبوعات ۲۶ ژانویه ۲۰۰۶)

با اعلام نتیجه نهایی انتخابات پارلمانی فلسطین و پیروزی حماس، روند صلحی که در چند سال اخیر به صورت کجدار و مریز به پیش می رفت، با خطر جدی مواجه شده است، خطری که می تواند این بحران را هرچه بیشتر تشدید کند و حتی روند کنونی را کاملاً با شکست مواجه سازد.

دولت اسرائیل در بیش از یک دهه ی گذشته، تلاش کرده است تا به رغم فشارهای بین المللی و افزایش شرایط نابسامان داخلی در فلسطین، از روند پیشبرد صلح جلوگیری کند و توانسته بود عملاً تمامی مصوبه های بین المللی را در رابطه با خروج نیروهای خود از سرزمین های اشغالی زیر پا بگذارد. از سوی دیگر جنبش الفتح به مثابه قدرتمندترین نیروی سیاسی خلق فلسطین در یک دهه ی اخیر، بر پایه اعتبار و نفوذ خود در میان مردم مبارز فلسطین با وجود برخی کاستی های جدی که ناشی از شرایط نابسامان سیاسی، و اقتصادی این منطقه ی اشغالی، و نفوذ عناصر فرصت طلب و افراطی و مماشات گر در سطوح بالای رهبری آن می باشد، توانسته بود با اتخاذ سیاست مبتنی بر جلب حمایت افکار عمومی جهان برای یک راه حل مبتنی بر مذاکره و حل سیاسی مساله، عقب نشینی های مشخصی را در سال های اخیر به دولت اسرائیل تحمیل کند. ادامه مبارزه برای ایجاد کشور مستقل فلسطین و موفقیت های مردم فلسطین و نیروهای ترقی خواه آنان در جلب حمایت اکثر کشورهای جهان برای این هدف و به انزوا کشاندن دولت اسرائیل و در تنگنای سیاسی قرار دادن آن، از نتایج چنین مبارزه هدفمندی بود.

دولت اسرائیل به رغم چنین شرایطی، به بهانه ی عدم برخورد «قاطع» دولت خودمختار فلسطینی (که نیروی اصلی آن سازمان الفتح می باشد) با «نیروهای تروریستی»، تلاش کرده که تا این روند را به تعویق و در نهایت به شکست بکشاند، اما فشار افکار عمومی جهانی، شرایط بحرانی منطقه و نیاز به تحولی جدید برای پیشبرد اهداف آمریکا برای «طرح خاورمیانه بزرگ»، اسرائیل را وادار کرد تا با عقب نشینی های مشخصی، تن به این روند دهد. در سال های اخیر اسرائیل تلاش کرده است تا با مانع تراشی های فراوان در برابر دولت خودمختار فلسطین، در عمل این دولت را، و در واقع جنبش الفتح را، فاقد

کارآیی، غیر قابل اعتماد در مورد حل مساله ی فلسطین و فاقد توانایی برای حل بحران های اقتصادی و سیاسی فلسطین نشان دهد. روندی فرسایشی که بی اعتمادی، دلسردی و خستگی را برای مردم فلسطین به همراه داشت. رشد پدیده های منفی اجتماعی - سیاسی مانند فساد، پارتی بازی و عدم قابلیت در صفوف الفتح و عدم برخورد قاطعانه با این پدیده ها سبب شد تا مردم با دلسردی از وعده های عملی نشده رهبران دولت خودمختار و کندی در روند صلح، به سازمان حماس که برای نزدیک به چهار دهه منتظر چنین فرصتی بود، رای دهند. رهبران حماس، سازمانی که در دهه ۱۹۶۰ میلادی با حمایت ضمنی دولت اسرائیل برای مقابله با نفوذ سازمان های رادیکال و ترقی خواه عضو سازمان آزادیبخش فلسطین پایه ریزی شده بود، با بهره گیری از شرایط بد اقتصادی مردم و خستگی آنها از روند کند مذاکرات، با شعارهای عامه پسند، که پشتوانه ی عملی نداشتند، مانند «محو اسرائیل»، «مبارزه با فساد دولتی» و «بهبودی وضع اقتصادی مردم»، خود را به مثابه جایگزینی موثر مطرح کرد. متأسفانه این شعارها در شرایط ویژه فلسطین در سال های اخیر توانست مردم را برای رای دادن به حماس جلب کند. با این حال و به رغم شادی و شغف سازمان حماس و این که چنین پیروزی سندی بر حقانیت راه و برنامه مبارزاتی این سازمان است و پشتیبانی برخی از کشورهای منطقه از چنین پیروزی، در واقع این پیروزی، فرصت طلایی ای برای اسرائیل است که در جستجوی بهانه ای برای متوقف نمودن روند حل مساله فلسطین از طریق مذاکره بود. هیئت سیاسی حزب کمونیست اسرائیل، در بیانیه یی که در روز ۷ بهمن ماه، به مناسبت پیروزی انتخاباتی حماس، منتشر کرد ضمن اشاره به این حقیقت که «سیاست های رسمی اسرائیل و دولت آمریکا باعث تقویت حماس شده است.» پیروزی این حزب را بوجود آورنده «تغییری چشمگیر در اوضاع در اراضی اشغالی ... و در کل خاورمیانه» قلمداد کرد. حزب کمونیست اسرائیل که دارای مواضع قدرتمندی در جنبش صلح این کشور است و در کنست (پارلمان اسرائیل) کرسی نمایندگی دارد تضعیف مواضع و نفوذ سازمان الفتح و حکومت خودگردان فلسطینی را عمدتاً نتیجه سیاست های آگاهانه و عامدانه دولت اسرائیل و کوشش آن برای منزوی کردن جنبش ترقی خواهانه فلسطین دانست. حزب کمونیست اسرائیل اخطار کرد که «دولت اسرائیل در آینده نزدیک با حمایت دولت بوش پیروزی حماس را بهانه کرده و از عملیات نظامی بر علیه فلسطینی ها و ایران استفاده خواهد کرد.» ارزیابی حزب کمونیست اسرائیل این است که پیروزی حماس ممکن است که به تقویت نیروهای راست در اسرائیل بیانجامد.



## بدرود رفیق شفیق هندل



رفیق شفیق هندل، انقلابی شهیر آمریکای لاتین و دبیر کل حزب کمونیست السالوادور و از رهبران جبهه آزادیبخش ملی فارابونندو مارتی، در روز ۴ بهمن ماه در مسیر بازگشت از مراسم تحلیف اوو مورالس، رئیس

جمهوری جدید بولیوی، در فرودگاه سن سالوادور دچار سکت قلبی شد و در به بیمارستان درگذشت. او در هنگام مرگ ۷۵ سال داشت. رفیق شفیق هندل که ریشه فلسطینی داشت از جوانی به جنبش انقلابی پیوست. او در زمان تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه ملی السالوادور به حزب کمونیست پیوست. رفیق هندل پس از یک دوره مهاجرت سیاسی در دوره حکومت دیکتاتوری نظامی در السالوادور در بین سال های ۱۹۶۰-۱۹۵۲ در کشورهای شیلی، هندوراس و گواتمالا، به کشور بازگشت. در سال ۱۹۷۲ به رهبری حزب کمونیست السالوادور انتخاب شد و در سال ۱۹۸۰ با درایت و تیزبینی انقلابی روند اتحاد نیروهای چپ السالوادور در جبهه آزادیبخش ملی فارابونندو مارتی را به ثمر نشاند. رفیق هندل در سال ۱۹۹۲، پس از یک دوره ۱۰ ساله مبارزه مسلحانه انقلابی، در جامه هیئت نمایندگی جنبش انقلابی با دولت مرکزی و نمایندگان ایالات متحده به مذاکره برای صلح نشست. رفیق شفیق هندل پس از آغاز روند صلح ملی در جامه رهبری «حزب فارابونندو مارتی» به مبارزه برای پیشرفت و دموکراسی پرداخت. او در انتخابات ریاست جمهوری السالوادور در سال ۲۰۰۴ کاندیدای نیروهای چپ بود و بیش از ۳۲ درصد آرا را بدست آورد. رفیق مداردو گونزالس، مسئول هماهنگی «حزب فارابونندو مارتی»، در رابطه با درگذشت رهبر زحمتکشان السالوادور گفت: «مرگ همقطار و برادرمان شفیق هندل یک ضایعه تاسف بار و وحشتناک برای ما می باشد.»

حزب توده ایران مرگ انقلابی بزرگ السالوادور را به مبارزان راه صلح، دموکراسی و پیشرفت در آمریکای لاتین تسلیت می گوید.

### ادامه یادی از یک چهره ....

آسمان غمزده، غرق ستارهست.

ما در چهارده بهمن، روز شهادت دکتر تقی ارانی و روز شهیدان حزب و جنبش، خاطره فروزان همه شهدای را آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی ایران را فارغ از تعلق حزبی، سازمانی و ایدئولوژیک آنان گرامی می داریم. ما یقین داریم که در سایه اتحاد و مبارزه مشترک دور نیست آن روزی که در ایرانی آزاد و رها از بندهای استبداد، بتوانیم دست در دست یکدیگر آنگونه که شایسته این شهیدان و قهرمانان است، با برپایی تندیسهای یادبود یاد آنان را گرامی بداریم.

درد بر خاطره فروزان همه شهیدان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن!

گرامی باد خاطره تابناک دانشمند شهید دکتر تقی ارانی!

\*\*\*

## فستیوال جنبش جهانی بر ضد فقر، جنگ و امپریالیسم

در آغاز سال جدید میلادی، جنبش اجتماعی جهانی با برگزاری دو فستیوال عظیم، از ۱۹ تا ۲۳ ژانویه در باماکو (پایتخت مالی) و از ۲۴ تا ۲۹ ژانویه در کاراکاس (پایتخت ونزوئلا) کار خود را آغاز کرد. ده ها هزار فعال سیاسی و اجتماعی، نمایندگان سندیکا ها و سازمان های غیر دولتی، در این کشورها گرد هم آمدند تا با تبادل نظر در مورد مبرم ترین مسایل کنونی جهان، در کنفرانس ها، سخنرانی ها و اجتماعات کوچک و بزرگ، بتوانند برای ایجاد «جهانی دیگر» تلاش کنند. جنبش اجتماعی که، هرچند در ابتدا به عنوان یک جنبش «اجتماعی»، در سال ۲۰۰۱ در شهر پورتوآلگر برزیل آغاز شد و شعار «جهانی دیگر امکان پذیر است» را سر لوحه شعارهای خود قرار داد، با گذشت زمان و با شدت گرفتن سیاست نولیبرالی و به ویژه شروع «جنگ های پیش گیرانه»، به جنبشی سیاسی - اجتماعی بدل گشت. این جنبش در ابتدا خواهان گردهم آوردن سازمان های غیر دولتی و سندیکاها و سایر مخالفین «جهانی شدن» و برگزاری بحث های تئوریک بود، ولی با گذشت زمان و روند گسترش خود، این جنبش سیاست های هدفمندی را، برای مقابله با سیاست های نولیبرالی و فجاج محصول آن برای جامعه ی بشری، دنبال کرده است. اولین فستیوال امسال در «باماکو» برگزار شد، در پایتخت کشوری که یکی از فقیرترین کشورهای کره ی خاکی است. کشوری که تصویری روشن از سیاست های نولیبرالیستی تحمیل شده به این کشور و فجاج حاصله از آن را به خوبی نشان می دهد. کشوری که بخش عمده ی در آمد سرانه خود را تحت نام «رشد» اقتصادی، صرف پرداخت بهره ی بدهی های خارجی خود می کند. بنا به اظهار نظر «دیپاراسیکوو»، از فعالان سازمان «اتحادیه جایگزین آفریقا برای رشد و علیه بدهی»، دولت مالی سال گذشته ۱۰۹ میلیون دلار برای پرداخت بدهی های خود صرف کرد، در حالی که بودجه ی خدمات بهداشتی و درمانی و آموزش و پرورش نزدیک به نیمی از این مبلغ بود. در صورتی که این دو بخش از مهم ترین بخش های فعالیتی هر کشوری هستند. (اژانس خبری اینتر پرس ۲۰ ژانویه) اما در آفریقا تنها «مالی» نیست که با چنین معضلی روبرو است، این شرایط گریبان گیر بسیاری از کشورهای آفریقایی است، کشورهایی که بازپرداخت بدهی های خارجی تمامی سیستم اقتصادی آنها را به نابودی و ورشکستگی کشانده است. بنا به اظهارات «دیپما موسی دیمبلی» از سازمان غیر دولتی موسوم به «آزادی جنوب»، که ائتلافی بین المللی است، «بدهی های آفریقا در سال ۲۰۰۳ برابر با ۳۱۵ میلیارد دلار بود» و این سازمان خواستار بخشودگی کامل این بدهی ها توسط کشورهای پیشرفته است. «دیپمبلی» اضافه می کند که برنامه های «تغییر ساختاری تحمیل شده از سوی کشورهای گروه ۸ (۸ کشور صنعتی جهان) از طریق صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، توانسته اند آفریقا را از فقر نجات دهند. تمامی این شرایط، که در قبال بدهی های خارجی ارایه شده اند، کاملاً شکست خورده اند. آنها هیچ راه حلی را ارایه نکرده اند.» (همانجا)

نسخه های تجویز شده از سوی نهاد های بین المللی سرمایه داری در اساس به خصوصی سازی بیشتر، آزادی تجارت و تغییر قوانین به سود سرمایه های خارجی منجر شده است، شرایطی که بیشتر از سود، سبب زیان شده اند و باعث افزایش نابسامانی، فقر، بدبختی و فلاکت روز افزون شده اند. در فستیوال دوم که در «کاراکاس» برگزار شد، ده ها هزار نفر از گروه ها و سازمان های گوناگون، ادامه دهنده ی فستیوال های قبلی شدند، اگر در فستیوال «باماکو»، بنا به اهمیت مسایل منطقه، بیشترین بحث ها و کنفرانس ها در مورد آفریقا، فقر، ایدز و بدهی های خارجی کشورهای آفریقایی و راه برون رفت از آنها بررسی شد، در کاراکاس جنبه ی وسیع تر و بین المللی مسایل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این فستیوال، شرکت کنندگان در کنار شعار همیشگی این جنبش، «جهانی دیگر امکان پذیر است»، شعارهای «نه به جنگ»، «بوش را متوقف کنید»، «صلح برای کلمبیا» و «جهانی دیگر، آمریکایی دیگر ممکن است» را در همه جا سرلوحه شعار های خود قرار دادند. به هرحال «مساله ی اصلی این گرد هم آیی، بررسی شرایط کنونی آمریکای لاتین و ایجاد آلترناتیو در برابر نولیبرالیسم بود.» (خبرگزاری آمریکای لاتین، پرسا لاتینا ۲۲ ژانویه)

آنچه که دو فستیوال اخیر نشان داده اند، ادامه ی تغییر در حرکت ها و اهداف جنبش اجتماعی جهانی است. اگر در آغاز، فستیوال های اجتماعی جهانی تنها محدود به مبادله ی نظرات و بررسی احکام تئوریک بود و بیشتر به مانند یک جشن فرهنگی عمل می کرد، امروزه تلاش مبارزان تحول طلب متوجه آنست این جنبش موثر بین المللی را تبدیل به یک حرکت وسیع سیاسی کند. تلاشی برای آنکه بتوان یک آلترناتیو جهانی در برابر سیاست های ضدبشری نولیبرالیسم به وجود آورد و سمت گیری مشخص ترقی خواهانه ای را به اجلاس های این جنبش جهانی بدهد. سومین فستیوال امسال در ماه مارس، در کراچی (پاکستان) برگزار خواهد شد.

## ادامه بازی خطرناک ارتجاع....

اقدامی از طرف شورای حکام، دولت موظف است طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی کلیه تعلیق‌های داوطلبانه را متوقف و همه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌یی را مجدداً آغاز نماید. محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری برگمارده ارتجاع نیز گفت: «ما از حق خود چشم‌پوشی نخواهیم کرد و در صورت ارجاع موضوع هسته‌یی ایران به شورای امنیت، جمهوری اسلامی ایران به موجب قانون مصوب مجلس مجبور به کنار گذاشتن اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی خواهد شد.»

ما در هفته‌های اخیر ضمن هشدار باش‌نسبت به عواقب خطرناک سیاست بازی‌های ارتجاع با منافع ملی میهن ما تأکید کرده بودیم که دفاع از منافع ملی ایران در زمینه استفاده ایران از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌یی نمی‌تواند در چارچوب سیاست‌های تشنج‌آفرینی و تهدیدات توخالی تحقق‌پذیرد. ما همچنین اشاره کردیم که هدف ارتجاع از پیشبرد چنین سیاست‌هایی ایجاد بحران مصنوعی و بهره‌برداری از مسأله تهدید خارجی برای سرکوب هرچه بیشتر نیروهای آزادی‌خواه و صلح‌دوست کشور است. یورش وحشیانه نیروهای ارتجاع به کارگران شرکت واحد و دستگیری صدها کارگر و فعال‌سندیکایی و همچنین تشدید یورش به جنبش دانشجویی نمونه‌های روشنی از وجود چنین سیاست و تاکتیک‌های مرتجعان حاکم است. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره کردیم ارجاع پرونده ایران به سازمان ملل متحد قطعاً بر ضد منافع ملی میهن ماست و می‌تواند خطرات جدی را در درازمدت به همراه داشته باشد. دادن بهانه به دست کشورهای امپریالیستی که نیروهای نظامی آنها در همسایگی مرزهای ایران مستقر هستند سیاست عمیقاً ضد ملی و خانمان‌سوزی است که دودش تنها به چشم مردم میهن ما می‌رود. تجربه سیاست دهشتناک «جنگ، جنگ تا پیروزی» که فجایع بی‌شماری از جمله صدها هزار کشته و زخمی برای میهن ما به همراه داشت، در حالی که رژیم می‌توانست در چارچوب مذاکرات خواست‌های خود را به دولت شکست‌خورده عراق (پس از فتح خرمشهر) تحمیل کند، یادآور بی‌خردی و سیاست‌های ضد ملی‌یی است که از سوی سران رژیم دنبال شده و می‌شود و می‌تواند بار دیگر ایران را به درگیری‌های فاجعه‌بار و خطرناک بکشاند. ادامه سیاست تشنج‌آفرینی ارتجاع تنها به سود جناح‌های دست‌راستی افراطی در دولت بوش و دولت دست‌راستی اسرائیل و دیگر محافل راست و جنگ‌طلب است. ادامه این سیاست‌ها نه تنها حق ایران در زمینه بهره‌وری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌یی را تأمین نمی‌کند بلکه با تحریک افکار عمومی جهان موضع دیپلماسی ایران را در مذاکرات آینده نیز تضعیف خواهد کرد. تأمین منافع ملی کشور در شرایط پر تشنج و خطرناک ایجاد شده کنونی در عرصه برخورداری از حق قانونی کشور برای فعالیت صلح‌آمیز هسته‌یی تنها می‌تواند از طریق بازگشت مذاکرات و ادامه آن به منظور اعتماد سازی تحقق یابد.

بی‌شک ادامه سیاست‌های کنونی خطری جدی و حقیقی برای کشور و منافع ملی میهن ماست. کشاندن شرایط و دادن بهانه برای تشدید درگیری‌ها تنها کار تغییر موضع و بازگشتن به پای میز مذاکره را بیش از پیش دشوار خواهد کرد. حل مسأله در شرایط کنونی تنها از راه بازگشتن به پای میز مذاکره با آژانس بین‌المللی برای حل مسأله است. در شرایط کنونی جهان شمار زیادی از کشورهای غیر متعهد و حتی شماری از کشورهای اروپایی حاضرند در صورت اتخاذ سیاست‌های معقول از سوی دولت ایران به حمایت از حق ایران برای بهره‌وری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌یی برخیزند. تابو امبکی، رییس‌جمهوری آفریقای جنوبی، در گفت‌وگو با احمدی‌نژاد، در راستایی چنین سیاستی با اشاره به تلاش‌های این کشور و اعضای جنبش غیر متعهدها، گفت: «ما به حق جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌یی اعتقاد داریم و به همین دلیل تلاش می‌کنیم از ایران حمایت کرده و سایر کشورها را نیز متقاعد کنیم در مسیری بدون درگیری، مناقشه و اختلافات نظر از یک راه صلح‌آمیز به نتیجه دست یابیم.»

بازگشت به پای میز مذاکرات با نشان دادن حسن نیت و نه به منظور مانور برای خریدن وقت اضافی راه حل تحفیف بحران و پیدا کردن راه کارهای مناسب برای تحقق منافع ملی ایران است. نباید اجازه داد که ارتجاع حاکم با ادامه سیاست‌های خطرناک منافع ملی ایران را دچار صدمات و خطرات جدی کند.

## ادامه راه رشد صلح‌آمیز چین....

بدهند و با تهدید علیه امنیت جهان مقابله کنند؛ باید ذهنیت «جنگ سرد» را کنار بگذاریم، همکاری کنیم تا تهدید از جانب فعالیت‌های تروریستی، بحران‌های مالی و فجایع طبیعی را از بین ببریم یا کاهش دهیم، ثبات، امنیت و صلح جهانی را پاسداری کنیم؛ باید خلع سلاح و کنترل تسلیحات را به طوری مؤثر، عادلانه، منطقی، جامع و متوازن به پیش ببریم، از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی جلوگیری کنیم، به جدیت تمام فرایند خلع سلاح هسته‌یی بین‌المللی را تبلیغ و ترویج کنیم، و ثبات درازمدت جهانی را تأمین کنیم؛ در روند جهانی شدن اقتصادی، در راه تأمین توسعه همگان، انصاف و نفع متقابل را در نظر بگیریم؛ باید فعالانه در راه آزادسازی و تسهیل بیشتر در تجارت و سرمایه‌گذاری بکوشیم، موانع تجاری را از سر راه برداریم، دسترسی به بازارها را افزایش دهیم، و محدودیت‌های صادرات تکنولوژی را از میان برداریم، تا بتوانیم نظام تجاری بین‌المللی چندجانبه‌ای برقرار کنیم که همگانی، عادلانه، منطقی، شفاف و غیر تبعیض‌آمیز باشد؛ باید فعالانه تأمین حقوق بشر را ترویج و تضمین کنیم تا همگان بتوانند از فرصت‌ها و حقوق برابر برای رشد کلی‌شان برخوردار شوند؛ باید آزاد فکر و مدارا بود تا بتوان به گفتگوی تمدن‌ها دست یافت؛ همه کشورهای باید به حق دیگر کشورها در تعیین نظام اجتماعی و راه‌رشدشان احترام بگذارند. چین برای برقراری روابط برادرانه و دوستانه با مناطق همجوارش قدم بر می‌دارد و طرفدار همکاری در راه حفظ امنیت منطقه‌ای است. در ارتباط با مسأله خاورمیانه، چین طرف‌های درگیر را به ادامه مذاکره و آغاز یک فرایند صلح بر مبنای قطعنامه‌های سازمان ملل تشویق می‌کند. در مورد عراق، چین خواستار یافتن یک راه حل سیاسی در چارچوب سازمان ملل متحد است و در این راه تلاش گسترده‌ای می‌کند. در ارتباط با موضوع سوخت هسته‌یی در ایران، چین برای تشویق طرف‌های درگیر به گفتگو و یافتن یک راه حل صحیح و صلح‌آمیز در چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راه‌های متعددی را امتحان کرده است. طی سال‌های متمادی، چین در حد توانش به دیگر کشورهای در حال رشد برای ایجاد امکان برای توسعه متکی بر خودشان کمک کرده است. چین بدهی‌های ۴۴ کشور در حال توسعه را که بالغ بر میلیاردها دلار می‌شد بخشیده است. در زمینه گفتگوی تمدن‌ها هم چین پیوسته منادی تبادل فرهنگ و نظر بوده است. در پرتو گسترش جهانی شدن اقتصادی، چین سخت می‌کوشد تا خود را به بقیه دنیا بشناساند، در حالی که از ثمرات مفید تمدن‌های دیگر بهره می‌گیرد. در سال‌های اخیر چین همکاری‌های گسترده‌ای با بسیاری از کشورهای جهان در زمینه‌های فرهنگی داشته است تا درک متقابل بین مردم چین و مردم کشورهای دیگر را افزایش دهد و شکل‌های تازه‌ای از گفتگوهای برابر بین تمدن‌ها را پدید آورد.

## نتیجه‌گیری

یک میلیارد و سیصد میلیون چینی که در راه رشد صلح‌آمیز قدم بر می‌دارند، بی‌تردید نقش حیاتی و مثبتی در تلاش نوع بشر در دستیابی به هدف والای صلح و توسعه دارند. عزم راسخ دولت و مردم چین در پیگیری راه رشد صلح‌آمیز در هم‌شکستگی نیست. دولت و مردم چین واقفند که صلح و توسعه، دو معضل عمده‌ای که دنیای امروز با آن رو به روست، هنوز به طور اصولی و بنیادی تحصیل نشده است. به دلایل متفاوت، کماکان کشمکش‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای وقوع می‌یابند و فاصله ثروت بین شمال و جنوب بیشتر و بیشتر می‌شود. چین هدف‌های خود برای نخستین ۲۰ سال قرن میلادی جاری را معین کرده است، که عبارتند از ساختن جامعه‌ای از همه جهت نسبتاً مرفه که بیشتر از یک میلیارد شهروند را در بر می‌گیرد؛ توسعه‌یاز هم بیشتر اقتصاد؛ بهبود دموکراسی؛ پیشبرد دانش و آموزش؛ غنی کردن فرهنگ؛ اعتلای سازگاری اجتماعی؛ و بالا بردن کیفیت زندگی مردم چین. چین به طور قطع سهم بیشتری در امر والای صلح و رشد نوع بشر خواهد داشت.

های مرتبط به کسب و کارهای خارجی در چین و ایجاد یک محیط قانونی عادلانه و با ثبات؛ باز کردن هر چه بیشتر بازارهای داخلی و بهبود شرایط برای بازرگانی و سرمایه گذاری؛ بهبود ساختارهای بازرگانی و فراهم کردن آزادی و تسهیلات بیشتر برای بازرگانی و سرمایه گذاری، و تشویق سرمایه گذاران چینی به سرمایه گذاری در کشورهای دیگر و رشد در کنار کسب و کارهای خارجی. مبادله مرتب با کشورهای دیگر این امکان را برای چین فراهم می آورد که ثمره تمدن بشری اش را با دیگران شریک شود و کیفیت منابع انسانی خودش را بهتر کند.

#### ۴. تأمین سود متقابل و توسعه مشترک همراه با کشورهای دیگر

رشد چین نمی تواند مستقل از بقیه دنیا باشد. به همین ترتیب، دنیا نیز برای رونق و شکوفایی اش به چین نیاز دارد. چین که روند جهانی شدن اقتصادی را دنبال می کند، در مقیاسی هر چه گسترده تر، در رده هایی بالاتر و در حیطه های جغرافیایی هر چه وسیعتر در همکاری های بین المللی اقتصادی و تکنولوژیکی شرکت می کند تا بتواند جهانی شدن اقتصادی را در جهت توسعه و آبادانی مشترک همه کشورهای سوق دهد. چین به استراتژی باز کردن بازارهایش برای تأمین سود متقابل ادامه می دهد. چین فعالانه در فرمول بندی کردن و اجرای قوانین تجاری و اقتصادی بین المللی شرکت می کند. از زمان پذیرفته شدن عضویت چین در سازمان تجارت جهانی در دسامبر ۲۰۰۱، این کشور به طور اکید به تعهداتش در زمینه ایجاد شرایط مساعد برای همکاری های تکنولوژیکی و اقتصادی بین المللی عمل کرده است. در این راه، چین چیزی در حدود ۳۰۰۰ قانون، مقررات و آیین نامه اجرایی را مورد تجدید نظر قرار داده، نظام قانونی اقتصادی اش در رابطه با کشورهای خارج را مرتباً اصلاح کرده، و سیاست های تجاری اش را شفاف تر کرده است. چین همواره در راه همکاری های اقتصادی منطقه ای نیز پیش قدم بوده است. کار ایجاد منطقه تجاری آزاد چین - «آ سه آن» به خوبی به پیش می رود. همراه با پیشرفت چین در زمینه های اجتماعی و اقتصادی، و نیز بهبود سطح زندگی مردمش، نیاز و تقاضای آن برای فرآورده های سرمایه بر و با تکنولوژی برتر افزایش می یابد. در حدود ۷۰ درصد صادرات چین به آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا کاربند در حالی که ۸۰ درصد واردات از این سه، که عمده ترین شرکای تجاری چین اند، سرمایه بر و با تکنولوژی بالا هستند. در سال ۲۰۰۴ چین، پس از آمریکا و آلمان، سومین کشور وارد کننده جهان بود. در این سال چین در حدود ۱۵۰ میلیارد دلار بیشتر از سال قبل واردات داشت، که ۹ درصد کل رشد واردات در دنیاست؛ سرمایه گذاری های چین در کشورهای دیگر نیز به رشد اقتصادی آن کشورها کمک کرده است. در پایان سال ۲۰۰۴، سرمایه گذاری مستقیم غیر بانکی چین در خارج از کشور، که ۱۴۹ کشور و منطقه را در بر می گیرد، به حدود ۴۵ میلیارد دلار رسید، که بیشتر از ۳۳ میلیارد دلار، یعنی ۷۵ درصد از آن در آسیا بود. همکاری های بازرگانی و اقتصادی خارجی چین امکانات بالقوه عظیمی را ایجاد می کند و چشم اندازهای روشنی را نمایان می کند. تا سال ۲۰۲۰ مقیاس و کل تقاضای بازار داخلی چین چهار برابر سال ۲۰۰۰ خواهد شد. در این روند، بقیه دنیا در همکاری های متقابل با چین، فرصت های زیادی برای کسب و کار و توسعه خواهد یافت، که به نوبه خود به رشد اقتصاد جهانی شتاب زیادی خواهد داد.

#### ۵. ساختن جهانی مسالمت آمیز مملو از صلح پایدار و توسعه و آبادانی برای همه

نوع بشر فقط و فقط یک زیستگاه دارد، و آن زمین است. ساختن جهانی مسالمت آمیز مملو از صلح پایدار و توسعه و آبادانی برای همه خواست مشترک همه مردم دنیا و هدف والای چین در راه رشد صلح آمیز است. چین معتقد است که جهان هماهنگ ما باید دموکراتیک، مسالمت آمیز، عادلانه و بردبار باشد؛ از برابری و دموکراسی برای دستیابی به هماهنگی و همکاری بر اساس منشور حقوق بشر سازمان ملل و اصول پنجگانه همزیستی مسالمت آمیز پاسداری شود؛ تصمیم گیری در امور داخلی هر کشوری بایست به عهده مردم خود آن کشور گذاشته شود؛ هیچ کشوری حق ندارد اراده خودش را بر کشوری دیگر تحمیل کند، یا امنیت و توسعه خودش را به بهای منافع دیگران تأمین کند؛ همه کشورهای باید دست به دست هم

#### ادامه راه رشد صلح آمیز چین ....

آمریکا بود، و درآمد ناخالص ملی سرانه آن فقط ۳۶ درصد رقم مشابه در آمریکا و ۴ درصد درآمد سرانه ژاپن بود، که چین را در رده ۱۲۹ در بین ۲۰۸ کشور جهان قرار می دهد. در پایان سال ۲۰۰۴ هنوز ۲۶ میلیون چینی ساکن مناطق روستایی در فقر زندگی می کردند. دولت می بایست هر سال در حدود ۲۴ میلیون شغل ایجاد کند. چین هنوز راه درازی در پیش دارد تا به حد کشورهای پیشرفته برسد.

#### ۳. رشد با اتکا به نوآوری، اصلاح، و توانایی های خود کشور

عمده ترین معضلی که چین در راه رشد خودش با آن مواجه است، تناقض بین اقتصاد توسعه نیافته اش از یک طرف و تقاضاهای فرهنگی و مادی هر چه بیشتر مردم کشور از طرف دیگر، و نیز تضاد بین رشد اقتصادی و اجتماعی از یک سو و فشار نسبتاً زیاد جمعیت، منابع طبیعی و محیط زیست از سوی دیگر است. اما چین معضلات و تضاد های خود را متوجه کشورهای دیگر نخواهد کرد، و از آن مهمتر، برای رشد و توسعه خودش کشورهای دیگر را چپاول و غارت نخواهد کرد. برای دستیابی به حد رشد مورد نظر، چین به طور عمده بر توانایی ها، اصلاحات و نوآوری های خودش متکی خواهد بود. چین امتیاز ها و شرایط مطلوب بسیاری دارد: مواد و بنیاد های تکنولوژیکی لازم برای رشد بیشتر اقتصادی را داراست؛ بازاری عظیم و گسترش یافته و نرخ بهره پس انداز بالایی دارد؛ نیروی کار عظیمی دارد که کیفیت آن پیوسته در حال افزایش است؛ دارای یک نظام بازار اقتصاد سوسیالیستی فراروینده است؛ و محیط سیاسی و اجتماعی پایداری دارد. برای رسیدن به هدف های توسعه اش، چین اقدام های چند جانبه ای را دنبال می کند، از جمله

(۱) نوآوری در نظام ها و ایده ها که می تواند شور و شوق، ابتکار و خلاقیت صدها میلیون از شهروندان را به کار بگیرد و چشم اندازهای تازه ای را برای جنبش مدرنیته کردن کشور پدید آورد؛  
(۲) باز کردن بازار های داخلی و افزایش تقاضای داخلی. با توزیع صحیح درآمد ها و اجرای سیاست های صحیح مصرف، چین هرچه بیشتر بر میزان تقاضا و مصرف داخلی برای اعتدالی رشد اقتصادی اش اتکا می کند؛  
(۳) تنظیم استراتژیک ساختار اقتصادی و تغییر شیوه رشد. چین اساس رشد اقتصادی اش را ارتقای کیفیت نیروی انسانی، بهره گیری کارآمد از منابع طبیعی، کاهش آلودگی محیط زیست، و تأکید بر کیفیت و کارایی اقتصادش می داند.

(۴) توجه به پیشرفت های تکنولوژیکی و علمی و تقویت نوآوری های مستقل. چین امید دارد که نسبت بودجه های تحقیق و توسعه تکنولوژیکی و علمی را از ۱.۴۴ درصد درآمد ناخالص ملی در سال ۲۰۰۴ به ۲.۵ درصد در سال ۲۰۲۰ برساند.

(۵) حداکثر بهره گیری از نیروی انسانی. چین به هر تلاشی دست خواهد زد تا بتواند استراتژی اتکا به استعداد های مردمی خودش برای ساختن یک کشور قدرتمند را عملی کند. آموزش اجباری، افزایش کمیت و کیفیت در آموزش عالی، توسعه آموزش های فنی - حرفه ای، و فراهم آوردن امکان بازگشت نیروهای متخصص از خارج از کشور، بخشی از این تلاش اند.

(۶) کوشش وافر برای ساختن یک جامعه صرفه جو و حافظ محیط زیست. چین صرفه جویی در انرژی را یکی از سیاست های بنیادی دولتی می داند. چین نه تنها یک کشور بزرگ مصرف کننده انرژی، بلکه یک کشور بزرگ تولید کننده انرژی است که ذخایر زغال سنگ، میدان های نفتی و گاز طبیعی فراوانی دارد. چین به حفاظت محیط زیست اولویت می دهد و مراقبت است که بهره برداری از منابع طبیعی به طور معقول صورت گیرد.

چین به طور جدی به تعهد هایی که در زمان پذیرفته شدنش به سازمان تجارت جهانی داده بود عمل کرده است؛ بهبود مداوم سیستم اداره و سیاست

## راه رشد صلح آمیز چین

درهای باز را ادامه می دهد، وارد همکاری های متقابل بین المللی گسترده در زمینه اقتصاد و تکنولوژی می شود، و ثمرات تمدن بشری را با کشورهای دیگر شریک می شود، منافع دیگران را در نظر می گیرد و به آنها احترام می گذارد، با کشورهای دیگر در راه حل مسایل و مناقشه ها همکاری می کند، در راه تأمین منافع متقابل و مشترک تلاش می کند، به تعهدات بین المللی اش عمل می کند، در امور بین المللی فعالانه شرکت می کند، رفتاری برابر حقوق با دیگران دارد و بر اساس اصول پنجگانه همزیستی مسالمت آمیز، روابطی دوستانه با آنها برقرار می کند.

### ۲. اعتلای صلح جهانی و توسعه با تکیه بر رشد

#### خود کشور چین

صلح اساس و بنیان توسعه است، و توسعه امری است بنیادی برای صلح. سال های درازی است که مردم و دولت چین بی وقفه در راه ایجاد یک محیط بین المللی مسالمت آمیز در کنار کشورها و نیروهای مردمی مترقی و صلح دوست دیگر تلاش می کنند، با تمام وجود در تکاپوی ساختن کشورشان و رشد آن هستند، همواره برای ادای سهم شان نسبت به توسعه و صلح جهانی با اتکا بر رشد جامعه خودشان می کوشند، و مجدانه در راه اعتلای پیشرفت و تمدن بشری تلاش می کنند.

در مقایسه با سال ۱۹۷۸، یعنی سالی که سیاست های اصلاحات و درهای باز به اجرا درآمدند، درآمد ناخالص کشور از حدود ۲۱۵ میلیارد دلار به حدود ۱۹۳۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ رسید، یعنی میانگین رشد سالانه ای برابر با ۹ درصد. به همین ترتیب، درآمد ناخالص سرانه از حدود کمتر از ۳۰۰ دلار به بیشتر از ۱۴۰۰ دلار افزایش یافته است. به این ترتیب است که چین توانسته است معجزه وار تقریباً ۲۲ درصد جمعیت جهان را بر روی کمتر از ۱۰ درصد زمین قابل کشت جهان تغذیه کند. ۲۲۰ میلیون نفر از فقر بیرون کشیده شده اند، و میانگین طول عمر از ۳۵ سال (در دوران پیش از استقرار چین جدید در سال ۱۹۴۹) امروزه به نزدیک ۸۰ سال رسیده است که قابل مقایسه با بسیاری از کشورهای پیشرفته است. چین در توسعه اقتصادی جهان نیز سهم بسزایی داشته است. در سال های اخیر، به رغم نوسان های فزاینده اقتصاد جهانی، اقتصاد چین رشدی پایدار و نسبتاً سریع داشته است و سهم آن در رشد اقتصادی جهان در بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ به طور میانگین ۱۳ درصد بوده است. در سال ۲۰۰۴ اقتصاد چین ۹.۵ درصد رشد داشت و ارقام واردات و صادرات آن در آن سال دوبرابر میزان سه سال پیش از آن شد و به نزدیک ۱۱۵۵ میلیارد دلار رسید. تا آخر سال ۲۰۰۴، مجموع ارزش بیشتر از ۵۰۰ هزار مورد سرمایه گذاری های خارجی در چین، به بیشتر از ۷۴۵ میلیارد دلار رسید. اما به رغم همه این دستاوردهای عظیم، چین کماکان بزرگترین کشور در حال توسعه دنیا محسوب می شود. بر اساس آمارهای بانک جهانی و آمارهای موسسات چینی، در سال ۲۰۰۴ حجم کل اقتصاد چین چیزی کمتر از ۱۷ درصد رقم مشابه در

از زمانی که سیاست های اصلاحات اقتصادی - سیاسی پر دامنه در اواخر دهه ۷۰ میلادی مطرح شدند، چین توانسته است با موفقیت در راه رشدی صلح آمیز، متناسب و منطبق با شرایط ویژه ملی خودش و نیازهای زمان، گام بردارد. در پیمودن این راه، مردم چین سخت تلاش می کنند تا کشوری آباد، پر قدرت، دموکراتیک، مسالمت آمیز، متمدن و مدرن بسازند، و با اتکا به رشدی که خود زحمت آن را کشیده و کسب کرده اند، به نوبه خود به پیشرفت بشری کمک های هر چه بیشتری بکنند. در دی ماه (اواخر دسامبر سال میلادی گذشته) دولت چین گزارشی را با عنوان «راه رشد صلح آمیز چین» منتشر کرد که برای نخستین بار به طور کامل و سازمان یافته، تئوری و عمل دولت و مردم چین را در پیمایش راهی که برگزیده اند روشن می کند. برای اطلاع خوانندگان «نامه مردم» از کارپایه ها و راهکارهای کنونی دولت چین، در اینجا چکیده ای از این سند را که شامل پنج بخش کلی است نقل می کنیم.

### ۱. رشد صلح آمیز تنها راه ممکن برای مدرن کردن چین

رشد صلح آمیز آرزوی قلبی مردم چین است که پیگیرانه آن را دنبال می کنند. هدف از گام برداشتن در راه رشد صلح آمیز، آمیختن رشد داخلی با بازگشایی درها به دنیای خارج، پیوند دادن رشد چین با توسعه بقیه دنیا، و آمیزش منافع بنیادی مردم چین با منافع مشترک مردم سراسر جهان است. چین مصرانه در پی هماهنگی داخلی و توسعه ملی خودش است در حین این که صلح و توسعه در ورای مرزهایش را تقییب می کند. این دو جنبه، که ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند و از یکدیگر جدایی ناپذیرند، دست در دست هم به ساختن دنیایی مسالمت آمیز و مشحون از آبادانی و شکوفایی و صلح دایمی برای همه کمک می کنند. از میان بردن جنگ، حفظ صلح، ساختن کشوری مستقل و آباد، و فراهم آوردن یک زندگی راحت و شادمان برای مردم، هدفی است که مردم چین در دوران جدید با پشتکاری در پی رسیدن به آن بوده اند. با وجود دست آوردهای عظیم در راه رشد کشور، چین با داشتن جمعیتی بسیار زیاد، بنیاد اقتصادی ضعیف، و رشدی نامتناسب، هنوز بزرگترین کشور در حال رشد جهان محسوب می شود. بزرگترین وظیفه چین اعتلای رشد اجتماعی و اقتصادی و در عین حال، بهبود دایمی زندگی مردم است. برای انجام این وظیفه به بهترین وجه، آنچه مردم چین نیاز دارند و برایشان ارزش زیادی دارد، وجود یک فضای صلح آمیز در عرصه بین المللی است. بر اساس واقعیت های کنونی، رشد چین نه تنها به یک میلیارد و سیصد میلیون چینی بهره رسانده است، بلکه بازارهایی بزرگ و فرصت های توسعه فراوانی نیز برای کشورهای دیگر جهان فراهم آورده است. چند قطبی شدن و جهانی سازی اقتصادی فرصت های تازه ای را برای رشد و صلح جهانی بوجود آورده است، که کوشش برای برقراری یک محیط صلح آمیز دراز مدت و دایمی در جهان را امکان پذیر می سازد. سال هاست که چین یک سیاست خارجی مستقل صلح آمیز را پیگیرانه دنبال می کند. در سال ۱۹۷۴، زمانی که چین حق عضویت در سازمان ملل متحد را دوباره به دست آورد، دنگ شیائو پینگ به دنیا اعلام کرد که چین هرگز به دنبال سرکردگی نخواهد بود. رشد چین هرگز تهدیدی برای دیگران نخواهد بود، بلکه بر عکس، فرصت های رشد بیشتر و بازارهای بزرگتری را برای بقیه دنیا فراهم می کند. واقعیت های موجود ثابت می کنند که رشد اقتصادی چین نیروی محرک مهمی برای رشد اقتصادی کشورهای آسیا و حوزه اقیانوس آرام و حتی کل جهان به طور کلی شده است. چندی پیش پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین اهداف عمده رشد اقتصادی - اجتماعی چین را برای سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ معین کرد که در آن هدف اقتصادی اصلی عبارت است از دو برابر کردن درآمد ناخالص ملی تا سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۰، از راه بهینه کردن ساختارهای اجتماعی - اقتصادی، افزایش میزان برگشت سرمایه گذاری ها و کاهش مصرف در منابع. در ضمن این که چین برای حصول رشد در درجه اول به نقاط قوت خودش اتکا می کند، اما کماکان سیاست

ادامه در صفحه ۱۱

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 731**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

2 February 2006

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e.V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse